

ایران در محاسبات استراتژیک چین؛ انتظارات، ملاحظات و فرصت‌های همکاری اقتصادی برای بخش خصوصی





معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

ایران در محاسبات استراتژیک چین؛ انتظارات، ملاحظات و فرصت‌های همکاری اقتصادی برای بخش خصوصی

**از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را به واحد
مربوطه منعکس نمایید:**

economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاما مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

تهیه کنندگان:

حامد نویدی، مریم کاظمی

شهریور ماه ۱۴۰۵



خلاصه مدیریتی

سیاست داخلی، خارجی و اقتصادی چین در دوره شی جین پینگ در چارچوب پروژه‌های وسیع‌تر برای احیای ملی، افزایش قدرت جامع ملی و ارتقای جایگاه چین در نظم بین‌المللی سازمان یافته است. امنیت جامع، خوداتکایی فناورانه، توسعه باکیفیت، تقویت بازار داخلی، امنیت زنجیره‌های تأمین، گذار سبز و گسترش روابط با جنوب جهانی، اجزای به هم پیوسته این راهبرد هستند. ابتکار کمربند و راه و ابتکارات جهانی توسعه، امنیت و تمدن نیز ابزارهای اقتصادی، نهادی و گفتمانی چین برای پیشبرد همین اهداف در سطح بین‌المللی محسوب می‌شوند. از این منظر، همکاری اقتصادی چین با سایر کشورها زمانی اهمیت راهبردی پیدا می‌کند که با نیازهای کلان توسعه‌ای و امنیتی پکن هم‌راستا باشد.

بررسی محیط پیرامونی ایران نشان می‌دهد که چین در خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز، عراق و شامات و محور افغانستان-پاکستان از یک الگوی واحد برای نفوذ و همکاری پیروی نمی‌کند. امنیت انرژی در خلیج فارس، اتصال و کریدورهای ترانزیتی در آسیای مرکزی و قفقاز، بازار و زیرساخت در عراق و شامات و ملاحظات امنیتی و اتصال در پاکستان و افغانستان وزن متفاوتی دارند. الگوی غالب چین در این مناطق بیش از آنکه مبتنی بر اتحادهای سیاسی و امنیتی کلاسیک باشد، بر تجارت، سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، پیمانکاری، زیرساخت و ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی استوار است. این وضعیت برای ایران یک پیام روشن دارد: ایران تنها گزینه چین در منطقه نیست و با مجموعه‌ای از شرکا، بازارها و مسیرهای جایگزین رقابت می‌کند.

در این چارچوب، ایران برای چین کشوری مهم، اما عموماً نه انحصاری و نه جایگزین‌ناپذیر است. ایران از منظر پکن چند کارکرد هم‌زمان دارد: منبع بالقوه و بالفعل انرژی، بازار و شریک صنعتی، حلقه اتصال آسیای مرکزی به خلیج فارس و غرب آسیا، عضو سازمان همکاری شانگهای و بریکس و بازیگری مستقل از نظم تحت رهبری آمریکا. با این حال، گستردگی روابط اقتصادی چین با کشورهای عربی خلیج فارس و اهمیت روابط اقتصادی، مالی و فناورانه آن با آمریکا، اروپا و اقتصادهای شرق آسیا موجب می‌شود پکن روابط با تهران را در چارچوب موازنه‌ای گسترده‌تر مدیریت کند. تحلیل‌های مربوط به جنگ تحمیلی ۴۰ روزه نیز همین عدم تقارن را برجسته می‌کنند: وابستگی اقتصادی ایران به چین به مراتب بیشتر از وابستگی اقتصاد چین به ایران است و این واقعیت باید مبنای طراحی پیشنهادها و همکاری از سوی ایران قرار گیرد.

رقابت چین و ایالات متحده نیز برای ایران هم‌زمان فرصت و محدودیت ایجاد می‌کند. فشارهای آمریکا بر فناوری، نیمه‌رساناها، زنجیره‌های تأمین و سرمایه‌گذاری، انگیزه چین برای تنوع‌بخشی به شرکای غیرغربی، تقویت امنیت انرژی و توسعه مسیرهای جایگزین را افزایش داده است؛ اما همین رقابت سبب شده بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ چینی نسبت به تحریم‌های ثانویه، انتقال پول، دسترسی به فناوری و ریسک اعتباری همکاری با ایران حساس‌تر شوند. بنابراین، تقابل چین و آمریکا لزوماً به معنای تمایل خودکار پکن به سرمایه‌گذاری بیشتر در ایران نیست. برای چین، همکاری اقتصادی زمانی جذاب است که منفعت اقتصادی و راهبردی آن از هزینه‌های تحریمی، مالی و اعتباری بیشتر باشد.

جنگ اخیر و اختلال در امنیت خلیج فارس نیز این منطق را آشکارتر ساخته است. از یک سو، بحران موجب افزایش اهمیت ایران در موضوعاتی مانند امنیت انرژی، تنگه هرمز، اتصال زمینی و دیپلماسی منطقه‌ای شده و در دوره پساجنگ می‌تواند فرصت‌هایی در بازسازی زیرساخت انرژی، برق، حمل‌ونقل و صنعت ایجاد کند. از سوی دیگر، بی‌ثباتی، افزایش هزینه بیمه و حمل‌ونقل،



مخاطرات امنیتی و دشواری تأمین مالی، همان عواملی هستند که شرکت‌های چینی را به احتیاط بیشتر سوق می‌دهند. در نتیجه، افزایش اهمیت ژئوپلیتیکی ایران الزاماً معادل افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری آن نیست؛ مگر آنکه این اهمیت به پروژه‌های کم‌ریسک‌تر و دارای سازوکار اجرایی و مالی روشن تبدیل شود.

برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین در این گزارش بیش از آنکه یک قرارداد سرمایه‌گذاری با تعهدات مالی قطعی تلقی شود، به‌عنوان «نقشه حوزه‌های همکاری» ارزیابی شده است. انرژی و صنایع پایین‌دستی، زیرساخت و حمل‌ونقل، مناطق آزاد، فناوری و مخابرات، همکاری مالی، کشاورزی، سلامت و همکاری‌های علمی از مهم‌ترین حوزه‌های قابل استنباط از این چارچوب‌بند. هم‌پوشانی این حوزه‌ها با اولویت‌های جدید چین در فناوری، زیرساخت مدرن، اقتصاد دیجیتال، امنیت غذایی، انرژی سبز و ساخت باکیفیت کمربند و راه نشان می‌دهد که ظرفیت‌های بالقوه قابل توجهی وجود دارد؛ اما تحقق آنها مستلزم تبدیل عناوین کلی همکاری به پروژه‌های مشخص و آماده سرمایه‌گذاری است.

برای بخش خصوصی ایران، فرصت‌های عملی‌تر در حوزه‌هایی مانند انرژی و زنجیره پایین‌دستی، لجستیک و ترانزیت، معدن و فرآوری، صنایع سبز، اقتصاد دیجیتال، کشاورزی و امنیت غذایی، خدمات فنی و مهندسی و مشارکت در پروژه‌های کشورهای ثالث قرار دارند. مزیت بنگاه خصوصی ایرانی می‌تواند در تعریف پروژه‌های کوچک‌تر، سریع‌تر و تجاری‌تر نسبت به طرح‌های بزرگ دولتی باشد. با این حال، طرف چینی بیش از عناوین سیاسی به قابلیت اجرای پروژه توجه دارد؛ یعنی مطالعه امکان‌سنجی، وضعیت مجوز و زمین، تأمین ماده اولیه، بازار فروش، شریک اجرایی، سازوکار انتقال پول، مدل بازپرداخت و تخصیص روشن ریسک باید پیشاپیش مشخص باشد.

جمع‌بندی سیاستی گزارش آن است که مزیت ایران در رابطه با چین، مستلزم ایجاد، تقویت و تثبیت فعالانه آن مزیت‌هاست. موقعیت جغرافیایی، منابع انرژی، عضویت در بریکس و سازمان همکاری شانگهای و سطح مناسب روابط سیاسی، ظرفیت ایجاد می‌کنند؛ اما این ظرفیت تنها در صورتی به منفعت اقتصادی پایدار تبدیل خواهد شد که ایران بتواند ناطمینانی مقرراتی، ریسک مالی و اجرایی و ضعف آماده‌سازی پروژه‌ها را کاهش دهد. بنابراین، راهبرد مطلوب حرکت از «فهرست حوزه‌های همکاری» به سمت بانک پروژه‌های استاندارد، قابل تأمین مالی و دارای شریک و بازار مشخص است. در چنین رویکردی، موفقیت همکاری ایران و چین نه با تعداد تفاهم‌نامه‌ها، بلکه با تعداد پروژه‌هایی سنجیده خواهد شد که منافع راهبردی چین را با مزیت اقتصادی واقعی ایران پیوند می‌دهند.



فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۲.....	فصل اول: تعريف چين از هويت ملي خويش و نقش آفرينى در صحنه بين المللى
۳.....	۱-۱ نمود تعريف هويت چينى در روابط بين الملل و سياست خارجى
۶.....	فصل دوم: استراتژى كلان چين در تعاملات جهانى
۷.....	۱-۲ استراتژى سياست خارجى و ديپلماسى جهانى
۸.....	۲-۲ استراتژى نظامى و امنيت ملي
۱۰.....	۳-۲ استراتژى تمدنى، ايدئولوژيك و توسعه ملي
۱۲.....	۴-۲ بررسى نمود هويت چينى در استراتژى هاى كلان
۱۵.....	۵-۲ جمع بندى
۱۶.....	فصل سوم: منافع چين در محيط پيرامونى ايران بر اساس مناطق مختلف ژئوپليتيكى
۱۷.....	۱-۳ منطق مشترك منافع چين در پيرامون ايران
۱۸.....	۲-۳ خليج فارس و شبه جزيره عربستان: انرژى، صنعت و فناورى در كنار موازنه سياسى
۱۸.....	۳-۳ عراق و شامات: انرژى و بازسازى در محيط پريسيك
۲۰.....	۴-۳ آسياى مركزى: قلب اتصال زمينى و حوزه امنيت پيرامونى چين
۲۱.....	۵-۳ قفقاز جنوبى: كریدور ميانى و رقابت مسيرها
۲۱.....	۶-۳ افغانستان، پاكستان و اقيانوس هند: دسترسى به آب هاى آزاد در كنار ريسك امنيتى
۲۲.....	۷-۳ جمع بندى
۲۳.....	فصل چهارم: منافع چين در رابطه با ايران و فرصت هاى همكارى اقتصادى براى بخش خصوصى
۲۳.....	۱-۴ جايگاه ايران در نگاه و راهبردهاى كلان چين
۲۴.....	۲-۴ جايگاه ايران در رقابت چين و ايالات متحده و پيوند آن با متحدها شرق آسيا
۲۴.....	۳-۴ موانع ورود و تعميق حضور اقتصادى چين در ايران
۲۵.....	۴-۴ انتظارات چين از ايران: ثبات، قابليت اجرا و عدم انتقال هزينه ژئوپليتيكى
۲۶.....	۵-۴ نگاه چين به جنگ تحملى اخير آمريكا عليه ايران و اختلال در تنگه هرمز: فرصت ها و تهديد ها
۲۶.....	۶-۴ ظرفيت هاى برنامه همكارى جامع ۲۵ ساله و علايق اقتصادى قابل استنباط چين
۲۷.....	۷-۴ فرصت هاى همكارى اقتصادى قابل انتفاع براى بخش خصوصى ايران
۲۹.....	۸-۴ الزامات تبديل فرصت به قرارداد براى بخش خصوصى ايران
۲۹.....	۹-۴ جمع بندى
۳۰.....	نتيجه گيرى و دلالت هاى سياسى
۳۲.....	منابع و مآخذ

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در سال‌های اخیر، هم‌زمان تحت تأثیر سه روند عمده قرار گرفته است: **افزایش نقش چین در اقتصاد و سیاست جهانی، تشدید رقابت راهبردی پکن با ایالات متحده و گسترش نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا.** در چنین شرایطی، ارزیابی مناسبات دو کشور صرفاً بر پایه حجم تجارت، همکاری‌های انرژی یا اسناد دوجانبه، تصویر کاملی از منطق رفتاری چین ارائه نمی‌دهد. برای فهم دقیق‌تر ظرفیت‌ها و محدودیت‌های این رابطه، لازم است روشن شود چین خود را چگونه در سیستم بین‌الملل تعریف می‌کند، چه اهدافی را در مسیر «احیای ملی» دنبال می‌کند و ایران چه جایگاهی در منظومه منافع و اولویت‌های آن دارد.

مبنای تحلیلی گزارش آن است که سیاست خارجی چین را نمی‌توان مستقل از تحولات داخلی و راهبرد کلان این کشور تحلیل کرد. در دوره شی جین‌پینگ، مفاهیمی چون **احیای عظیم ملت چین، امنیت جامع، خوداتکایی فناورانه، توسعه باکیفیت، ابتکار کمربند و راه و ابتکارات جهانی توسعه، امنیت و تمدن** در چارچوبی نسبتاً منسجم به یکدیگر پیوند خورده‌اند. در این چارچوب، رشد اقتصادی، امنیت زنجیره‌های تأمین، قدرت فناورانه، روابط با جنوب جهانی و افزایش نقش چین در حکمرانی بین‌المللی، اجزای مکمل پروژه قدرت‌سازی ملی محسوب می‌شوند. از این رو، همکاری با ایران نیز از منظر پکن زمانی اهمیت می‌یابد که بتواند با یک یا چند مورد از این اولویت‌ها پیوند برقرار کند.

گزارش در ادامه، محیط پیرامونی ایران را از منظر منافع چین بررسی می‌کند. خلیج فارس، عراق و شامات، آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و محور افغانستان-پاکستان هر یک برای چین کارکرد متفاوتی دارند و پکن در آنها الزاماً از الگوی واحدی پیروی نمی‌کند. امنیت انرژی، تنوع مسیرهای ترانزیتی، دسترسی به بازار، حفاظت از سرمایه‌گذاری و کاهش آسیب‌پذیری زنجیره‌های تأمین از مؤلفه‌های مشترک این حضورند. این بررسی نشان می‌دهد که ایران در محیطی رقابتی قرار دارد و چین برای تأمین منافع خود هم‌زمان از شرکا و مسیرهای جایگزین استفاده می‌کند؛ بنابراین، مزیت جغرافیایی یا سیاسی ایران به‌تنهایی برای جذب سرمایه و پروژه‌های چینی کافی نیست.

بر این اساس، بخش پایانی گزارش به **جایگاه ایران در محاسبات راهبردی چین و فرصت‌های همکاری اقتصادی قابل انتفاع برای بخش خصوصی ایران** اختصاص یافته است. ضمن توجه به مشارکت جامع راهبردی و برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله، محدودیت‌هایی چون تحریم‌ها، مشکلات مالی، نااطمینانی مقرراتی، ریسک‌های امنیتی و ضعف آمادگی برخی پروژه‌ها در کنار ظرفیت‌های همکاری در **انرژی، لجستیک و ترانزیت، معدن، صنایع سبز، اقتصاد دیجیتال، کشاورزی و زیرساخت** بررسی می‌شود. هدف نهایی آن است که از توصیف روابط سیاسی دو کشور فراتر رفته و مشخص شود چگونه می‌توان منافع راهبردی چین را به پروژه‌های مشخص و قابل اجرا برای اقتصاد و بخش خصوصی ایران تبدیل کرد.

فصل اول: تعریف چین از هویت ملی خویش و نقش آفرینی در صحنه بین‌المللی

از نگاه محقق چینی، یانگ^۱ (۲۰۲۶)، چین خویش را در مقام بازیگر تمدنی در سطح جهانی می‌شناسد؛ که از سطح دولت‌ملت فراتر رفته و وجه انسانی سیاست خارجی خود را به‌مثابه‌ی هویت ملی اعلام می‌کند. از این‌رو، خودشناسی چین، ذیل سه محور تعریف می‌شود:

- ۱- شناخت خود به‌عنوان وارث تمدنی و فلسفی شرق
- ۲- ادراک شخصی مبتنی بر الگوی متفاوت از قدرت غربی
- ۳- خودنگاره‌ای از میانجی اخلاقی میان توسعه و عدالت جهانی.

در این معنا، طرح جامعه با سرنوشت مشترک بشر یک آینه برای خودشناسی تمدنی است؛ که چین با آن، خود را قدرت اخلاقی غیرهژمونیک معرفی می‌کند.

این مطالعه، اندیشه دیپلماسی شی جین‌پینگ را امتداد مارکسیسم، با بازخوانی چینی، در سطح جهانی می‌خواند؛ در این مسیر، چین خود را وارث سه بعد برای خودشناسی معرفی می‌کند:

محتوای خودشناسی	
بعد فلسفی	تداوم سنت‌های کنفوسیوسی-تائویی در قالب اخلاق همکاری و نفی سلطه
بعد تاریخی	تجربه رنج تاریخی و بازسازی اعتمادبه‌نفس ملی
بعد نظری	ادغام متریالیسم تاریخی با دکترین توسعه اشتراکی

از این رهگذر، مفهوم جامعه سرنوشت مشترک در جایگاه نظری دارای ساختار درهم‌تنیده‌ای با پنج هدف بزرگ صلح پایدار، امنیت فراگیر، شکوفایی مشترک، گشودگی و پاکی زیست‌محیطی است. چهار مسیر رسیدن به این اهداف بزرگ نیز گفت‌وگو، مشارکت، سازندگی و تقسیم منافع است.

در این راستا، ارزش‌های مشترک بشری، صلح، توسعه، عدالت و همکاری تعریف شده و پلتفرم‌های اجرایی نیز چهار ابتکار جهانی و یک کمربند-یک راه هستند.

این سازوکار، به‌زعم یانگ، تکوین شناخت علمی از نقش چین در تمدن جهانی است؛ که به نوعی یک خودتعریفی تمدنی در گذار از ملی‌گرایی نجات‌بخش به جهان‌گرایی مسئولیت‌محور است. لذا پیوند معرفت و کنش، اصل چین بودن معرفی می‌شود؛ در قامت یک قدرت سوسیالیستی، چین می‌باید همزمان نظریه و تجربه را به فعلیت برساند؛ از این رو، خودشناسی

^۱ - 杨

چینی، در **درون**، مبتنی بر آزمون تجربی، شفافیت ایدئولوژیک و یادگیری از عمل‌گرایی چینی بوده و در **بیرون**، بیانگر هویتی در جستجوی نظم جهانی مبتنی بر همکاری است. یعنی انسان چینی در جهان فارغ از تصویر فردی بوده و به شکل یک جهان‌بینی دارای صورت‌بندی تمدنی در سیاست خارجی پدیدار گشته است.

سیر تاریخی این هویت ملی و جمعی، برای قدرتمندی (قوی بودن) و اخلاق (خوب بودن) در مطالعه ژو و لو^۲ (۲۰۱۵) در سه دوره رهبری تعریف می‌شود:

۱- دوره مائو (۱۹۴۹-۱۹۷۶): تمرکز تک بعدی بر «قوی بودن به منزله تضمین بقا در نظم دوقطبی» و بی‌توجهی به تصویر اجتماعی چین در جامعه بین‌الملل.

۲- دوره اصلاحات (از دنگ تا هو جین‌تائو): شکل‌گیری راهبرد پنهان‌سازی توانایی‌ها و حفظ جایگاه به صورت کم‌سروصدا یا راهبرد «پنهان داشتن ظرفیت‌ها و خرید زمان»^۳ برای تضمین محیط صلح‌آمیز رشد اقتصادی و ادغام تدریجی در نظم جهانی.

۳- دوره شی جین‌پینگ (از ۲۰۱۲ تاکنون): پدیدار شدن الگوی «تلاش برای دستاورد» که تعادل جدیدی میان قدرت مادی و پذیرش اجتماعی می‌جوید.

در واقع، مطالعه ژو و لو نشان می‌دهد که چین در عصر شی جین‌پینگ وارد نقطه گذار هویتی شده است؛ که تقابل میان قدرت مادی-امنیتی و خوب بودن اجتماعی-مشروعیتی به مسئله‌ای بنیادین در تعیین جهت سیاست خارجی تبدیل می‌شود. در واقع، جهت‌گیری راهبردی چین حاصل تعامل دوسویه میان تصمیم‌گیرندگان چینی و ساختار اجتماعی بین‌الملل است. بنابراین، انتخاب میان «قوی بودن» و «خوب بودن» نتیجه اراده آزاد چین نیست؛ بلکه برآمدی از فشار هنجاری محیط جهانی و نیاز به دریافت مشروعیت است.

۱-۱ نمود تعریف هویت چینی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی

«دکترین شی جین‌پینگ در روابط بین‌الملل چین»، در مطالعه‌ای با همین عنوان توسط ژانگ^۴ (۲۰۱۹) مطرح شده است؛ تصویر تحلیلی و تاریخ‌نگارانه از تفکر سیاست خارجی چین در عصر کنونی، دکترین شی را نه مجموعه‌ای از آرای شخصی، بلکه بازتاب اندیشه جمعی حزب کمونیست چین و استمرار سنت فکری چین از دوران امپراتوری تا امروز می‌داند. با بهره‌گیری از چارچوب نظری ریچارد ند لُبو، ژانگ نشان می‌دهد که سیاست خارجی چین بر سه سطح شناختی استوار است: مأموریت

²- Zhu & Lu

³- Keeping a Low Profile (KLP)

در ادبیات آکادمیک، این شیوه معمولاً به صورت عبارت «راهبرد حفظ پروفایل پائین» به کار می‌رود؛ اما اصل این مفهوم از عبارت چینی 韬光养晦 (Táoguāng Yǎnghuì) می‌آید که توسط دنگ شیائوپینگ در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد؛ و به طور تحت‌اللفظی به معنای: «پنهان کردن درخشش و پرورش توانمندی» است.

⁴- Zhang

حزب کمونیست به عنوان چارچوب سطحی، و سه چارچوب عمیق تر /حیای ملی، جامعه جهانی و سهم چینی. بر اساس این الگو، /حیای ملی، بازتاب آرزوی بازگشت چین به جایگاه تاریخی خود از خلال قرن تحقیر^۵ است؛ و جامعه جهانی، تداوم سنت فلسفی تیان شیائ و بیانگر تمایل به ساخت نظامی اخلاقی و چندفرهنگی است. سهم چینی نیز نشانگر خواست چین برای ایفای نقشی فعال تر در حکمرانی جهانی از رهگذر ارائه حکمت و راه حل چینی است.

ژانگ در جمع بندی خود، این سه گانه را بنیان دکترین شی می داند؛ که هم زمان تنش و توازن میان قدرت مادی و مشروعیت هنجاری را در خود دارد. به باور او، دکترین شی جین پینگ، چین را وارد مرحله ای کرده است که در آن هدف قدرت سازی، ابعاد اخلاقی و تمدنی یافته و مفهوم «قدرت» از سلطه طلبی سیاسی صرف، به نماد مسئولیت جهانی ارتقا یافته است. این رویکرد، از منظر اقتصاد سیاسی بین الملل، بیانگر تلاش چین برای تلفیق منافع ملی، توسعه گرایی، و نفوذ نرم در نظم جهانی است؛ به گونه ای که مشروعیت بین المللی و بازیگری ایدئولوژیک آن مکمل قدرت اقتصادی و ژئوپلیتیکی کشور گردد.

برای فهم این نفوذ نرم بر نظم جهانی، مطالعه هوانگ و همکاران (۲۰۲۱)، تلاشی نظام مند برای بازخوانی سیاست خارجی و خودتعریف چین در نظام بین الملل انجام داده است. بدین ترتیب، از خلال متون و عملکردهای مرتبط با کنفرانس های بین دولتی بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ و در چارچوب ژئوپلیتیک /انتقادی و با اتکا به تحلیل متنی داده های ۹۱۹ کنفرانس، سه محور اساسی را در بازنمایی گفتمان بین المللی چین شناسایی می کند:

- ۱- موازنه حساس میان آمریکا و روسیه که بنیان ساختار ژئوپلیتیکی چین را شکل می دهد.
- ۲- بازسازی چین به مثابه قدرت منطقه ای مسئول که از رهگذر کنفرانس های سازمان یافته در آسیا-اقیانوسیه، اوراسیا و آفریقا نمود می یابد.
- ۳- پروژه ارائه الگوی توسعه غیر تهدیدآمیز که هدف آن تثبیت تصویر چین صلح طلب و همکاری جو در نظم جهانی است. این گفتمان سه گانه، ساختار ذهنی تازه ای از سیاست بین الملل را از منظر بازیگر غیر غربی عرضه می کند؛ ساختاری که می کوشد ژئوپلیتیک مبتنی بر رقابت را به ژئوپلیتیک مبتنی بر مشروعیت، اعتماد و همکاری تبدیل کند.

بنابراین، کنفرانس های بین دولتی نه فقط ابزار دیپلماسی بلکه فضای تولید گفتمان و قدرت نرم چین اند. از این رو، چین در مقام برگزارکننده، تصویری از بازگشت به منزلت تاریخی خود و آمادگی برای ایفای نقش در حکمرانی جهانی ارائه می کند؛ و

^۵- قرن تحقیر (Century of Humiliation) یکی از مهم ترین مفاهیم در هویت ملی، سیاست خارجی و روایت تاریخی جمهوری خلق چین است. این اصطلاح به دوره ای حدوداً از جنگ اول تریاک در سال ۱۸۳۹ تا تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ اشاره دارد؛ دوره ای که در روایت رسمی چین، کشور توسط قدرت های خارجی و تا حدی ژاپن مورد تجاوز، تجزیه، تحمیل معاهدات نابرابر و تحقیر قرار گرفت.

^۶- در سنت تیان شیاء، جهان مجموعه ای از دولت های برابر نیست، بلکه یک جامعه بزرگ است که باید به سمت هماهنگی حرکت کند. (با بنیان های فلسفی کنفوسیوس)

در مقام شرکت‌کننده، از زبان همگرایی و چندجانبه‌گرایی برای مدیریت روابط راهبردی و تقویت نفوذ خود بهره می‌گیرد. در نتیجه سیاست خارجی چین در عصر شی جین‌پینگ، بر بنیانی چندسطحی استوار شده است؛ که در آن قدرت مادی، روایت اخلاقی، و نهادسازی بین‌المللی به شکلی درهم‌تنیده درآمده‌اند. از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل، مطالعه نشان می‌دهد که چین از طریق این گفتمان کنفرانسی نوعی ژئوپلیتیک چینی خودبنیاد را می‌سازد؛ که در مرز میان منطق توسعه اقتصادی، اعتبار هنجاری و رقابت تمدنی با غرب عمل می‌کند.

البته این رقابت با غرب، در رقابت تمدنی خلاصه نمی‌شود؛ گلدستین^۷ (۲۰۲۰) تحلیلی جامع از تحول راهبرد کلان چین در دوران شی جین‌پینگ ارائه داده و استدلال می‌کند؛ که در چارچوب راهبرد جدید، چین از یک‌سو با طرح‌هایی چون بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و ابتکار کمربند و جاده، خواهان اصلاح نهادهای اقتصاد جهانی برای بازتاب بهتر توزیع قدرت قرن بیست‌ویکم است؛ و از سوی دیگر با تأکید بر منافع خود در موضوعاتی مانند دریای جنوبی چین، تایوان و امنیت سایبری، سیاست مقاومتی و گاه قهری‌تری در پیش گرفته است. این مطالعه استدلال می‌کند که اگرچه ترکیب سه مؤلفه «اطمینان، اصلاح و مقاومت» می‌کوشد چهره‌ای متوازن از چین نوظهور ارائه دهد، اما در عمل برداشت‌های بین‌المللی از پکن به‌عنوان قدرتی تجدیدنظرطلب و تهدیدزا تقویت شده است. این امر، به‌ویژه در روابط با ایالات متحده، سبب تشدید رقابت ژئواستراتژیک، بازتعریف سیاست مهار و گسترش گفتمان «واگسست»^۸ متقابل شده است. در نتیجه، راهبرد کلان شی جین‌پینگ به‌جای تسهیل/حیای چین، با دشوارتر ساختن محیط خارجی، خطر تقابل پایدار اقتصادی، فناوریانه و امنیتی را افزایش داده و چشم‌انداز تحقق رویای چینی تجدید عظمت ملی را با/ابهامی جدی روبه‌رو کرده است.

نگاه رقابت محور دیگر، در کتاب جهان از دیدگاه چین^۹ نوشته الیزابت سی. اکنامی^{۱۰} بیان شده است؛ این کتاب که زیر نظر «شورای روابط خارجی»^{۱۱} (که یکی از مهم‌ترین اندیشکده‌های سیاست خارجی در ایالات متحده است) منتشر شده، تحلیلی در زمینه سیاست خارجی و تحرکات جهانی چین در عصر شی جین‌پینگ است. این بررسی نشان می‌دهد چگونه چین در پی بازتعریف نظم جهانی بر مبنای منافع، ارزش‌ها و الگوی حکمرانی خود است. اکنامی توضیح می‌دهد که هدف شی بازنویسی قواعد بازی جهانی است؛ نه ادغام کامل در نظم بین‌المللی لیبرال. که بدین‌وسیله، چین در مرکز قدرت و تصمیم‌سازی جهانی قرار گیرد.

الیزابت اکنامی ضمن بررسی تأثیرات جهانی چین، هشدار می‌دهد که چین در حال پیش‌بردن نظم جهانی است؛ که در آن منافع ارزش‌ها و قواعد غربی جای خود را به دیدگاه‌ها، ساختارها و نقش مرکزی چین می‌دهد.

7- Goldstein

8- decoupling

9- The World According to China

10- Elizabeth C. Economy

11- Council on Foreign Relations

فصل دوم: استراتژی کلان چین در تعاملات جهانی

با تکیه بر مفهوم خودشناسی ملی چین در عصر شی جین پینگ، مؤسسه تحقیقاتی رند^{۱۲} ذیل گزارشی تحت عنوان «استراتژی کلان چین: روندها، مسیرها و رقابت بلندمدت» (Scobell et al., 2020) استدلال می‌کنند؛ که راهبرد کلان کنونی چین را باید **احیای ملی** نامید؛ چرا که همه سیاست‌های داخلی و خارجی پکن ذیل این هدف تعریف می‌شوند. چین خود را نه به‌عنوان یک قدرت «وضع موجود» بلکه به‌عنوان کشوری تعریف می‌کند که در مسیر بازگشت به جایگاه تاریخی خویش قرار دارد. بنابراین هویت چین در گفتمان شی جین پینگ، هویت یک دولت در حال صعود نیست؛ بلکه هویت یک تمدن-دولت است؛ که تصور می‌کند جایگاه طبیعی و تاریخی خود را در نظام بین‌الملل از دست داده و اکنون باید آن را پس بگیرد. نویسندگان گزارش، این وضعیت را در قالب مفهوم **رویای چینی** یا **احیای ملی** توضیح می‌دهند. از دید شی، تحقق رؤیای چین به معنای ساختن کشوری «ثروتمند، قدرتمند، متمدن، هماهنگ و مدرن» است؛ که تا سال ۲۰۵۰ به اوج توانایی‌های خود برسد.

از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل، مهم‌ترین استنباط از این روایت آن است که چین خود را یک بازیگر صرفاً اقتصادی تعریف نمی‌کند. در این گزارش، راهبرد کلان چین متشکل از چند **راهبرد فرعی** شامل سیاست، جامعه، اقتصاد، علم و فناوری، دیپلماسی و قدرت نظامی معرفی شده است. این موضوع نشان می‌دهد که در خودآگاهی راهبردی پکن، توسعه اقتصادی فقط یکی از ابزارهای قدرت ملی است و نه هدف نهایی. **هدف نهایی**، افزایش قدرت جامع ملی و تحقق احیای ملی است.

در ذهنیت رهبران چین، هویت ملی با مفهوم امنیت حکومت، پیوندی ناگسستی دارد. یکی از مهم‌ترین یافته‌ها این است که رهبران چینی سه منفعت بنیادین را، حفظ نظام سیاسی موجود، حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی، و تضمین توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌کنند. بنابراین چین درک لیبرالی از امنیت ندارد؛ بلکه امنیت دولت، امنیت حزب و امنیت کشور را تقریباً یکسان تلقی می‌کند.

این نکته ما را به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های خودشناسی چین در عصر شی جین پینگ می‌رساند؛ **چین خود را کشوری در معرض تهدید دائمی می‌بیند.** گزارش مزبور تصریح می‌کند که رهبران چین تهدید آمریکا را دوگانه می‌دانند؛ از یک سو **تهدید سخت** شامل قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا، و از سوی دیگر **تهدید نرم** شامل ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، انتخابات آزاد، تفکیک قوا و دموکراسی لیبرال. در نتیجه، از منظر چین، رقابت با ایالات متحده، صرفاً رقابت ژئوپلیتیکی نیست؛ بلکه همانطور که در بخش قبلی اشاره شد، رقابتی ایدئولوژیک و تمدنی نیز محسوب می‌شود.

با این حال، در یک ارزیابی انتقادی باید توجه داشت که ذیل این گزارش که یک محصول پژوهشی آمریکایی برای نهادهای امنیتی ایالات متحده است، هویت چین عمدتاً از دریچه رقابت راهبردی آمریکا و چین بازسازی شده است. اما در نهایت

¹²- Rand

می‌توان گفت که شی جین‌پینگ چین را کشوری با مأموریت تاریخی آن یعنی **احیای ملی** می‌بیند. کشوری که باید تا میانه قرن بیست و یکم به قدرتی ثروتمند، فناورانه، نظامی و دارای نفوذ جهانی تبدیل شود. لذا استراتژی‌های حفظ رهبری حزب کمونیست، حفاظت از تمامیت ارضی، توسعه اقتصادی، پیشرفت فناوری و افزایش قدرت نظامی اجزای جدایی‌ناپذیر یک پروژه واحد هستند. **چین خود را نه یک قدرت تمدنی در حال بازگشت به جایگاه تاریخی خویش تعریف می‌کند.**

برای درک بهتر از این مسأله، ابتدا به‌طور خلاصه به سخنرانی‌های شی جی پینگ، اسناد بالا دستی چین در ابعاد مختلف استراتژی ملی و سپس به بیان و بررسی تحلیل استراتژی‌های چین از نگاه سایر تحلیل‌گران بین‌المللی خواهیم پرداخت.

۲-۱ استراتژی سیاست خارجی و دیپلماسی جهانی

بر اساس محتوای رسمی منتشرشده دفتر اطلاعات شورای دولتی جمهوری خلق چین درباره مجموعه چندجلدی حکمرانی چین، سخنان و متون شی جین‌پینگ، تصویری جامع از استراتژی کلان چین در سیاست داخلی، خارجی، امنیت ملی و نظم جهانی ارائه شده است. در تمامی مجلدها، از ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴، روایت اصلی شی جین‌پینگ بر پایه‌ی ایجاد یک نظم جهانی با ویژگی‌های چینی ذیل مفهوم **ترکیب اقتدار سیاسی در داخل با دیپلماسی فعال در خارج** قرار گرفته است. او بر مدرن‌سازی با رهبری حزب کمونیست، ثبات اجتماعی در خدمت توسعه ملی و جهانی‌سازی با توازن چندقطبی تأکید دارد. در این چارچوب، **استراتژی حکمرانی** او از سطح داخلی (کنترل نظامی، اقتصادی، و فناورانه) تا سطح بین‌المللی (نفوذ نهادی و اقتصادی از طریق پروژه‌هایی چون کمربند و جاده) امتداد می‌یابد.

شی در این آثار دیدگاه خود را درباره **جایگاه چین به‌عنوان محور تثبیت نظم آینده جهانی** مطرح می‌کند؛ کشوری که ضمن حفظ استقلال راهبردی، در پی بازتعریف قواعد نظم بین‌الملل بر محور عدالت و برابری جنوب جهانی است.

بررسی سند سفید دفاع ملی چین در عصر جدید (۲۰۱۹)^{۱۳} نیز با این سخنان کاملاً همسویی دارد. چرا که جایگاه نیروهای مسلح چین را در چارچوبی جهانی بازتعریف می‌کند؛ و پیوندی مستقیم میان سیاست خارجی و دکترین دفاعی برقرار می‌سازد. سیاست دفاعی چین در این سند، صریحاً ذیل مفهوم جامعه‌ای با سرنوشت مشترک برای بشریت تبیین می‌شود؛ و ارتش آزادی‌بخش خلق به‌مثابه نیروی صلح جهانی معرفی می‌گردد. در این چارچوب، همکاری نظامی با سایر بازیگران بین‌المللی، از جمله روسیه، کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، و نهادهای چندجانبه نظیر سازمان ملل متحد، نه صرفاً ابزاری تاکتیکی، بلکه بخشی از استراتژی صلح‌محور چین به شمار می‌آید. این سیاست دفاعی، تجسم همان دیپلماسی نظامی چین است؛ که از بازدارندگی منفی و انزوا به کنش‌گری مثبت و چندجانبه‌گرا تغییر جهت داده است. هدف این سیاست، ساخت محیط بین‌المللی باثباتی است؛ که به توسعه پایدار اقتصادی و امنیتی چین در بلندمدت کمک نموده و همزمان تصویر چین مسئول را در صحنه جهانی مستحکم سازد.

¹³- China's National Defense in the New Era (White Paper, 2019)

همچنین، بر اساس محتوای رسمی منتشرشده از سخنرانی چین گانگ^{۱۴}، وزیر خارجه چین، (در فوریه ۲۰۲۳) در وبسایت رسمی وزارت امور خارجه جمهوری خلق چین، با عنوان **اجرای طرح ابتکاری امنیت جهانی برای حل چالش‌های امنیتی پیش روی بشریت**، (Qin, 2023) این رویکرد نیز به صورت بنیادین ذیل محور سیاست خارجی و دیپلماسی جهانی چین در همان فضای بحث شده قرار می‌گیرد؛ و بیانگر تبلور کامل ابتکار امنیت جهانی (GSI)^{۱۵} مطرح شده توسط شی جی‌پینگ است. در این چارچوب، چین خود را شکل‌دهنده نظم امنیتی جدیدی معرفی می‌کند؛ که مبتنی بر برابری کشورها، چندجانبه‌گرایی واقعی و رد هژمونی و تقابل بلوکی است. در لایه‌ی ایدئولوژیک، GSI امتداد مفهومی از «جامعه‌ای با آینده مشترک برای بشریت»^{۱۶} تلقی می‌شود؛ و هدف آن ساخت نظامی است که از طریق گفت‌وگو به جای تقابل، شراکت به جای اتحاد نظامی، و همکاری متقابل به جای بازی مجموع صفر، امنیت را به عنوان کالایی عمومی برای همه کشورها تعریف می‌کند.

به این ترتیب، GSI^{۱۷} در مقام یکی از سه ابتکار کلان سیاست خارجی چین (در کنار ابتکار توسعه جهانی (GDI)^{۱۸} و ابتکار تمدن جهانی (GCI)^{۱۹}، چارچوب نظری نوینی برای دیپلماسی امنیتی چین ارائه می‌دهد؛ چارچوبی که چین را از یک قدرت دفاع‌محور به بازیگر فعال در حکمرانی امنیت بین‌المللی بدل می‌کند. در بخش‌های مربوط به اصول اجرایی (پنج قاعده‌ی بنیادین که بیان شد)، GSI بر اساس احترام متقابل، گشودگی و شمول، چندجانبه‌گرایی، منافع متقابل، و رویکرد جامع و کل‌نگر به امنیت پیش می‌رود. این اصول بنیان دگرین جدید سیاست خارجی چین برای شکل‌دهی به نظم جهانی مبتنی بر عدالت و توازن توصیف می‌شود. در بخش بعدی به طور کامل‌تری به تفسیر این بعد خواهیم پرداخت.

۳-۱ استراتژی نظامی و امنیت ملی

همانطور که در انتهای بخش ۱-۲ بحث شد، متن رسمی منتشرشده از سخنرانی چین گانگ، ماهیتی دیپلماتیک دارد؛ اما باید توجه داشت که بخش مهمی از آن در چارچوب محور امنیت و نظامی معنا می‌یابد. چرا که GSI به طور ضمنی مکمل سیاست دفاعی دفاع فعال و بازتابی غیرنظامی از همان منطق امنیت فراگیر چین است. موضوعاتی چون جلوگیری از جنگ و درگیری، ترویج حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران‌ها، مبارزه با تروریسم، امنیت سایبری و زیستی، کنترل تسلیحات و ثبات راهبردی جهانی، نشان می‌دهد که GSI تحت عنوان حلقه‌ی ارتباط سیاست خارجی و سیاست دفاع ملی چین مطرح می‌شود. سخنان وزیر خارجه چین حاکی از آن است که مواضع چین، به صراحت مخالفت خود را با مسابقه تسلیحاتی، مداخلات

¹⁴- Qin Gang

¹⁵- Global Security Initiative

¹⁶- Community with a Shared Future for Mankind

¹⁷- Global Security Initiative (GSI)

¹⁸- Global Development Initiative (GDI)

¹⁹- Global Civilization Initiative (GCI)

یک‌جانبه و مواجهه بلوکی^{۲۰} اعلام کرده و به دنبال ایجاد معماری حکمرانی امنیت جهانی است؛ که در آن سازمان ملل مرکزیت داشته و نقش میانجی‌گرانه و چندجانبه‌ی قدرت‌های بزرگ برجسته می‌شود.

همچنین سخنان شی جی‌پینگ، نیز حکایت از تلاش چین در پی ساخت نظامی چندقطبی و جامعه‌ای با سرنوشت مشترک برای بشریت است؛ که بر همکاری، امنیت غیرمداخله‌گر، و توسعه متوازن جنوب-شمال تأکید دارد. این تأکید (موثر بر تمام سیاست‌های چین؛ که در بخش قبلی هم مطرح شد) ذیل ابتکارات جهانی چین برای **توسعه، امنیت جهانی و تمدن جهانی** به مقام عمل می‌رسد. **رویکرد به ایالات متحده و غرب** نیز بر مبنای رقابت بدون درگیری مستقیم، اما با مقاومت ساختاری یا آنچه گاهاً **موازنه نرم** در برابر سلطه‌گری نامیده می‌شود، پیگیری شده و **تعمیق روابط با کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های منطقه‌ای** (روسیه، آسیای مرکزی، آفریقا، خاورمیانه) نیز، به عنوان بنیان‌های نظم غیرلیبرال نوین تعریف می‌شوند.

برای استناد و بررسی دقیق میزان جریان این رویکرد شی جی‌پینگ در اسناد بالادستی چین، به محور اصلی **کتاب سفید دفاع ملی چین در عصر جدید** (۲۰۱۹) می‌پردازیم. در این سند که بازتاب‌دهنده تحولی عمیق در رویکرد امنیتی چین است، استراتژی بنیادین **دفاع فعال** همچنان تداوم دارد؛ اما از قالب دفاع صرف سرزمینی فراتر رفته و به دفاع از منافع ملی در تمامی حوزه‌های زمین، دریا، فضا و سایر گسترش یافته است. نوسازی ارتش تا سال ۲۰۳۵ و تبدیل آن به نیروی جهانی سطح بالا تا سال ۲۰۴۹، **هدف راهبردی اصلی** محسوب می‌شود. بر اساس همین منطق، ساختار جدید فرماندهی زیر نظر کمیسیون مرکزی نظامی، عملیات مشترک میان نیروهای زمینی، دریایی، هوایی، موشکی و نیروی پشتیبانی راهبردی را محور کارآمدی عملیاتی قرار می‌دهد. در همین راستا، ارتش آزادی‌بخش خلق موظف است برای **جنگ‌های اطلاعات پایه و هوشمند** آماده شود. مفهومی که با گسترش کاربست هوش مصنوعی، داده‌های کلان، و سلاح‌های خودکار معنا می‌یابد. در این چارچوب، نیروی دریایی نقشی محوری در حفاظت از حقوق و منافع دریایی در دریای چین جنوبی و شرق آسیا می‌یابد؛ و توانمندسازی فناورانه به عنصر مرکزی امنیت ملی بدل می‌شود.

کتاب سفید استراتژی نظامی چین (۲۰۱۵)^{۲۱} نیز مانند سند قبلی، به روشنی بر دکترین پایه‌ای چین، یعنی **دفاع فعال** تکیه دارد. بر اساس این دکترین، چین دفاع ملی خود را اساساً ماهیتی بازدارنده، صلح‌محور و غیرتهاجمی معرفی می‌کند؛ اما به‌طور هم‌زمان تأکید دارد که در صورت تهدید یا حمله، به سرعت و با قدرت کامل پاسخ خواهد داد.

در چارچوب این محور، چین خود را در موقعیتی می‌بیند که باید **بین توسعه و امنیت تعادل برقرار سازد**. بدین معنا که تقویت ارتش و نوسازی ساختار دفاعی نه نشانه تمایل به گسترش‌طلبی، بلکه ضامن توسعه‌ی صلح‌آمیز و احیای ملی است. هدف

²⁰- Bloc Confrontation

²¹- China's Military Strategy (2015)

نهایی، ساخت ارتش آزادی‌بخش خلقی است که توانایی جنگ اطلاعاتی و چندبعدی داشته باشد و در کنار قابلیت دفاعی، قدرت بازدارندگی و پاسخ سریع نیز در اختیار داشته باشد.

۴-۱ استراتژی تمدنی، ایدئولوژیک و توسعه ملی

چین با معرفی سیاست گردش دوگانه^{۲۲} به عنوان محور توسعه و با ترکیب دو مؤلفه بازار داخلی قدرتمند با حضور بین‌المللی رقابت‌پذیر، به دنبال تبدیل اقتصاد چین به الگویی جایگزین برای مدل نئولیبرال غربی است. این استراتژی، با تأکید بر اقتصاد باز، قانون‌محور و بین‌المللی‌شده و در عین حال با کنترل راهبردی دولت بر بخش‌های حساس (از جمله انرژی، فناوری‌های برتر، زنجیره تأمین) در حال اجرا و پیگیری است.

برای نگاه دقیق‌تر به ابعاد موضوع، از گزارش موسسه مطالعات بین‌المللی چین با عنوان «اقدامات چین برای پیشبرد گفتگوی جهانی میان تمدن‌ها»^{۲۳} (منتشر شده در ژوئن ۲۰۲۶)، بهره برده‌ایم. این گزارش، برخلاف اسناد دفاعی یا اقتصادی، مستقیماً بر وجه تمدنی سیاست خارجی چین تمرکز دارد؛ و به چگونگی عملکرد چین در جهت صورت‌بندی و عملیاتی‌سازی ابتکار تمدن جهانی (GCI) (به‌عنوان یکی از ارکان کلان سیاست خارجی خود)، در کنار ابتکار توسعه جهانی، ابتکار امنیت جهانی و ابتکار حکمرانی جهانی، می‌پردازد.

گزارش از همان آغاز، تمدن را حافظه جمعی یک کشور یا ملت معرفی می‌کند؛ و با تأکید بر این نکته که جهان امروز از تمدن‌های متنوع، ادیان متعدد، قومیت‌های گوناگون و مسیرهای متفاوت توسعه تشکیل شده است، استدلال می‌کند؛ که هیچ تمدنی بر تمدن دیگر برتری ندارد و همه تمدن‌ها دربردارنده تجربه، خرد، ارزش‌ها و دستاوردهای خاص خود هستند. از این منظر، چین تلاش می‌کند خود را حامل الگویی تمدنی معرفی کند که به‌جای برتری تمدنی، بر همزیستی، گفت‌وگو، یادگیری متقابل و هماهنگی بدون یکسان‌سازی تأکید دارد.

گزارش مذکور، ابتکار تمدن جهانی را در تداوم و تکمیل ابتکار توسعه جهانی و ابتکار امنیت جهانی معرفی می‌کند؛ از آن‌جا که GCI در مارس ۲۰۲۳ از سوی شی جین‌پینگ مطرح شده و چهار دعوت مشترک یا چهار بنیان مفهومی (احترام به تنوع تمدن‌های جهان، پاسداشت ارزش‌های مشترک بشریت، اهمیت میراث‌داری و نوآوری تمدن‌ها، و تقویت مبادلات مردم‌بامردم و همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی) دارد؛ GCI نقش نرم و گفت‌وگومانی راهبرد کلان‌تری را ایفا می‌کند که در اسناد دیگر با مفاهیم توسعه، امنیت و حکمرانی بیان شده بود. اگر ابتکار توسعه جهانی بر رشد و توسعه، و ابتکار امنیت جهانی بر امنیت مشترک و پایدار تأکید دارد، ابتکار تمدن جهانی می‌کوشد بنیان فرهنگی و ارزشی این پروژه را فراهم کند.

²²- Dual Circulation

²³- China's Actions for Advancing Global Dialogue Among Civilizations

بنابراین، گفت‌وگوی تمدن‌ها، به ابزاری برای تعمیق روابط دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه در سیاست خارجی چین تبدیل شده است. سند نشان می‌دهد که چین *GCI* را در روابط خود با قدرت‌های بزرگ، همسایگان، جنوب جهانی، کشورهای عضو کمربند و جاده، بریکس، سازمان همکاری شانگهای، آسه‌آن، جهان عرب، آفریقا، آمریکای لاتین و کشورهای جزیره‌ای *اقیانوس آرام* به کار می‌گیرد. بنابراین، در این گزارش شاهد تبیین **تمدن تحت عنوان زبان عملیاتی دیپلماسی چین** هستیم. از منظر گزارش، مبادلات فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای، گردشگری، هنری، ورزشی، دانشگاهی و حزبی، همگی در خدمت تحکیم روابط خارجی چین و تقویت اعتماد سیاسی قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، چین از گفت‌وگوی تمدن‌ها برای کاهش بی‌اعتمادی، افزایش پیوندهای اجتماعی، تقویت تصویر جهانی خود و ایجاد شبکه‌ای وسیع از شرکای گفت‌وگامی استفاده می‌کند.

۱-۴-۱ مخالفت با هژمونی گفت‌وگامی و روایت‌های غرب‌محور

رویکرد چین در نقد آشکار روایت‌هایی مانند برخورد تمدن‌ها، برتری تمدنی، دموکراسی در برابر اقتدارگرایی و آزادی در برابر استبداد، نشان از دیدگاهی دارد؛ که در آن، روایت‌ها را ابزارهایی برای ایجاد تقابل ایدئولوژیک، انسداد گفت‌وگو، افزایش شکاف اعتماد و تشدید منازعات ژئوپلیتیکی معرفی می‌کند. در مقابل، چین گفت‌وگام خود را بر پایه‌ی تنوع تمدنی، برابری تمدن‌ها، احترام به مسیرهای متفاوت توسعه و مخالفت با تحمیل ارزش‌ها و مدل‌های سیاسی یک تمدن بر دیگران بنا می‌کند. از این منظر، سند *GCI* را نه فقط برنامه‌ای فرهنگی، بلکه پاسخی گفت‌وگامی به نظم معنایی غرب‌محور در روابط بین‌الملل معرفی می‌کند. گزارش حتی تصریح می‌کند که این ابتکار، روایت تمدنی غربی را پشت سر می‌گذارد؛ و امکان عبور تمدن‌های غیرغربی از دوگانه ادغام‌شدن یا حاشیه‌ای‌شدن را فراهم می‌سازد. بنابراین، این سند را باید بخشی از تلاش چین برای بازتوزیع قدرت گفت‌وگامی در نظام بین‌الملل دانست.

بنابراین، گزارش مورد نظر را باید یکی از مهم‌ترین اسناد گفت‌وگامی چین در حوزه قدرت نرم، دیپلماسی تمدنی و بازتعریف نظم فرهنگی جهان دانست. این گزارش نشان می‌دهد که چین پس از صورت‌بندی ابتکارات توسعه و امنیت، اکنون می‌کوشد بعد تمدنی و ارزشی سیاست خارجی خود را نیز نهادینه کند. در این سند، تمدن به مثابه مفهومی راهبردی تعریف می‌شود؛ که علاوه بر فرهنگ، سیاست خارجی، حکمرانی، توسعه و رقابت گفت‌وگامی با غرب را نیز دربر می‌گیرد. پیام اصلی این گزارش جلوگیری از اداره جهان بر پایه برتری یک تمدن یا تقابل ایدئولوژیک است؛ چرا که معتقد است در رویکرد چینی، باید بر مبنای تنوع تمدنی، برابری، یادگیری متقابل، گفت‌وگو و همزیستی عمل نمود. از این منظر، *GCI* بازوی تمدنی پروژه کلان چین برای ساخت جامعه‌ای با آینده مشترک برای بشریت است و در کنار ابتکار توسعه جهانی، ابتکار امنیت جهانی و ابتکار حکمرانی جهانی، بخشی از تشکیل فکری و دیپلماتیک چین برای نظم جهانی آینده می‌باشد.

۵-۱ بررسی نمود هویت چینی در استراتژی‌های کلان

در نهایت، برای جمع‌بندی مطالب مطرح شده و نگاه دقیق به میزان همسویی استراتژی‌های کلان در سطح عمل با تعریف هویت چینی، از گزارش منتشر شده توسط کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات جمهوری خلق چین^{۲۴} بهره می‌بریم؛ این گزارش با عنوان **طرح ملی توسعه اقتصادی و اجتماعی چین** (و عنوان کامل «گزارش اجرای برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی ملی سال ۲۰۲۵ و پیش‌نویس برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی ملی سال ۲۰۲۶») را می‌توان یکی از مهم‌ترین اسناد برنامه‌ریزی کلان چین در آستانه ورود به برنامه پنج‌ساله پانزدهم ۲۰۲۶-۲۰۳۰ دانست؛ سندی که بیش از آنکه ماهیتی صرفاً اقتصادی داشته باشد، تصویری جامع از مدل حکمرانی توسعه‌محور، امنیت‌محور و فناوریانه چین ارائه می‌دهد. جایگاه اصلی این گزارش در محور توسعه ملی و قدرت‌سازی داخلی است؛ اما در عین حال با امنیت ملی، سیاست خارجی اقتصادی، قدرت فناوریانه، رفاه اجتماعی، گذار سبز و ایدئولوژی مدرنیزاسیون چینی پیوند مستقیم دارد. در این چارچوب، **توسعه نه فرایندی خودانگیخته و صرفاً بازارمحور، بلکه پروژه‌ای هدایت‌شده، مرحله‌بندی‌شده و تحت مدیریت دولت مرکزی و حزب کمونیست چین تعریف می‌شود.**

در مرکز سند، حکمرانی برنامه‌محور توسعه اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. گزارش با ارزیابی عملکرد سال ۲۰۲۵ و ترسیم اهداف سال ۲۰۲۶، نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی اقتصادی همچنان ابزار اصلی چین برای حفظ رشد، ثبات اجتماعی و تقویت ظرفیت ملی است. هدف‌گذاری رشد اقتصادی (حدود ۴.۵ تا ۵ درصد)، ایجاد بیش از ۱۲ میلیون شغل شهری، کنترل بیکاری شهری در حدود ۵.۵ درصد، ثبات قیمت‌ها، افزایش درآمد خانوار هم‌گام با رشد اقتصادی، تقویت مصرف داخلی، سرمایه‌گذاری مؤثر، بهبود خدمات عمومی و اصلاح نظام بازار، همگی بیانگر پیوند عمیق توسعه اقتصادی با ثبات اجتماعی و مشروعیت عملکردی دولت است. از این منظر، سند ۲۰۲۶ نقشه راه استمرار مدل دولت توسعه‌گرا در مرحله جدید مدرنیزاسیون چینی به شمار می‌آید.

یکی از ویژگی‌های بنیادین سند، ادغام مفهوم امنیت در متن سیاست توسعه است. **امنیت** در این گزارش صرفاً به حوزه نظامی محدود نمی‌شود؛ بلکه به امنیت غذا، انرژی، منابع راهبردی، زنجیره‌های صنعتی و تأمین، داده، مالی، املاک، بدهی‌های محلی، زیرساخت‌های کلیدی، بلایای طبیعی و بسیج دفاع ملی گسترش می‌یابد. تأکید بر حفظ تولید غلات در سطح حدود ۷۰۰ میلیون تن، تقویت ذخایر و اکتشاف منابع معدنی، افزایش تاب‌آوری نظام انرژی، تثبیت بازار املاک، کنترل ریسک بدهی دولت‌های محلی و ارتقای ظرفیت مقابله با بلایا نشان می‌دهد که **چین توسعه پایدار را بدون سپر امنیتی اقتصادی و فناوریانه ممکن نمی‌داند.** بنابراین، گزارش مورد نظر نمونه روشنی از تبدیل امنیت ملی به منطق سازمان‌دهنده سیاست اقتصادی چین است.

²⁴- National Development and Reform Commission (NDRC)

در حوزه فناوری، گزارش، نوآوری علمی و فناوریانه را پایه اصلی قدرت ملی و رقابت آینده معرفی می‌کند. پیشرفت در هوش مصنوعی، زیست‌پزشکی، رباتیک، فناوری کوانتومی، تراشه‌ها، ماهواره‌های مدار پایین، سامانه بیدو، انرژی هیدروژنی، ذخیره‌سازی انرژی، همجواری هسته‌ای، رابط مغز - رایانه و اقتصاد ارتفاع پایین، در کنار تأکید بر توسعه ****نیروهای مولد کیفی جدید****، نشان می‌دهد که سیاست صنعتی چین به‌طور فزاینده‌ای بر خوداتکایی فناوریانه، صنایع آینده و کاهش وابستگی راهبردی استوار شده است. **فناوری در این سند هم موتور رشد اقتصادی جدید است و هم ابزار افزایش تاب‌آوری، امنیت زنجیره تأمین و تثبیت موقعیت چین در رقابت جهانی.**

در برابر **نااطمینانی‌های خارجی**، چین مصرف داخلی، افزایش درآمد شهروندان، سرمایه‌گذاری مؤثر و توسعه خدمات را به ستون ثبات اقتصادی تبدیل می‌کند. از این‌رو، این گزارش بر گسترش تقاضای داخلی و ساخت بازار داخلی نیرومند تأکید ویژه دارد. سیاست‌هایی مانند ایجاد صندوق هماهنگی مالی - اعتباری ۱۰۰ میلیارد یوانی برای تحریک تقاضا، توسعه اقتصاد نقره‌ای، اقتصاد یخ و برف، مصرف ورزشی، گردشگری، تجارت الکترونیک، مصرف مبتنی بر هوش مصنوعی و زیرساخت‌های شارژ خودروهای برقی، حاکی از این است؛ که بازار داخلی برای چین تنها یک مزیت اقتصادی نیست، بلکه ابزار کاهش آسیب‌پذیری خارجی و تقویت چرخه داخلی اقتصاد است.

به‌علاوه، گزارش مذکور بر **اصلاحات ساختاری و ایجاد بازار ملی یکپارچه** تأکید دارد. کاهش موانع اداری و محلی، تسهیل دسترسی به بازار، تقویت رقابت عادلانه، کاهش هزینه‌های لجستیکی، اصلاح نظام حمل‌ونقل، توسعه بازار واحد برق، بهبود محیط کسب‌وکار، حمایت از بخش خصوصی و ارتقای شرکت‌های دولتی، نشان می‌دهد که دولت چین برای حفظ رشد، تنها به سیاست‌های محرک مالی و پولی تکیه ندارد؛ بلکه اصلاح نهادهای بازار و افزایش کارایی تخصیص منابع را ضروری می‌داند. با این حال، این اصلاحات در چارچوب سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی باقی می‌ماند؛ یعنی **بازار تقویت می‌شود، اما همچنان در خدمت اهداف کلان دولت و حزب قرار دارد.**

ابعاد **رویکرد خارجی** گزارش نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. اگرچه گزارش اساساً بر اقتصاد داخلی متمرکز است؛ اما گشودگی سطح بالا، ابتکار کمربند و جاده، تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری و همکاری با جنوب جهانی جایگاهی مهم در آن دارند. تجارت ۲۳.۶ تریلیون یوانی چین با کشورهای مشارکت‌کننده در کمربند و جاده در سال ۲۰۲۵، که ۵۱.۹ درصد از کل تجارت کالایی چین را تشکیل داده، نشان‌دهنده اهمیت این ابتکار در سیاست خارجی اقتصادی چین است. توسعه قطارهای باری چین - اروپا، مسیرهای دریایی و هوایی جاده ابریشم، پروژه راه‌آهن چین - قرقیزستان - ازبکستان، معدن سیمان‌دو، راه‌آهن تانزانیا - زامبیا، پروژه‌های معیشتی کوچک، گسترش استفاده فرامرزی از رنمینی و همکاری در حوزه‌های سبز، دیجیتال، هوش مصنوعی، سلامت، گردشگری و کشاورزی، نشان می‌دهد که **چین هم‌زمان به دنبال ادغام فعال در اقتصاد جهانی و کاهش آسیب‌پذیری از طریق تنوع‌بخشی بازارها و تقویت پیوند با جنوب جهانی** است.

گزارش به بخش توسعه منطقه‌ای، دریایی و سرزمینی نیز به‌عنوان بخشی از قدرت‌سازی ملی می‌نگرد. مناطق کلیدی مانند پکن-تیانجین-هبی، دلتای رود یانگ‌تسه، منطقه خلیج بزرگ گوانگ‌دونگ-هنگ‌کنگ-ماکائو، غرب، شمال شرق، مرکز و شرق چین، هر یک در آرایش ملی توسعه نقش خاصی دارند. تأکید بر کریدورهای بین‌منطقه‌ای، انتقال برق از غرب به شرق، انتقال گاز، انتقال آب جنوب به شمال، خوشه‌های شهری، مناطق مرزی و قومی، و همچنین توسعه دریایی، نشان می‌دهد که چین به دنبال بهینه‌سازی جغرافیای اقتصادی، تقویت انسجام داخلی، امنیت مرزی و قدرت دریایی است. اشاره به تولید ناخالص اقیانوسی حدود ۱۱ تریلیون یوان در سال ۲۰۲۵ و جایگاه برتر چین در حوزه‌هایی مانند تجهیزات دریایی، حمل‌ونقل دریایی، آبزیان و انرژی بادی فراساحلی، این بعد سرزمینی-دریایی توسعه را برجسته می‌سازد.

در **سطح اجتماعی**، گزارش به‌روشنی رفاه عمومی، اشتغال و خدمات اجتماعی را بخشی از بنیان ثبات سیاسی می‌داند. ایجاد ۱۲۶۷ میلیون شغل شهری در سال ۲۰۲۵، نرخ بیکاری متوسط ۵.۲ درصد، گسترش پوشش بیمه‌های بازنشستگی، درمان، بیکاری و حوادث کاری، و تأکید بر حمایت از فارغ‌التحصیلان، کهنه‌سربازان، کارگران مهاجر، اشکال جدید اشتغال، سالمندان، کودکان، مسکن حمایتی، آموزش و سلامت، نشان می‌دهد که رفاه عمومی نه صرفاً پیامد رشد، بلکه شرط استمرار توسعه و مشروعیت دولت تلقی می‌شود. در این چارچوب، دولت چین **مشروعیت خود را از مسیر اشتغال‌زایی، افزایش درآمد، تأمین خدمات عمومی و کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی** بازتولید می‌کند.

محور مهم دیگر، **گذار سبز و تمدن زیست‌محیطی** است. گزارش، کاهش کربن، کاهش آلودگی، توسعه سبز و رشد اقتصادی را به‌صورت هم‌زمان دنبال می‌کند. ظرفیت نصب‌شده/انرژی تجدیدپذیر ۲.۳۴ میلیارد کیلوواتی در سال ۲۰۲۵، سهم ۶۰.۱ درصدی آن از کل ظرفیت نصب‌شده برق، کاهش ۵ درصدی انتشار دی‌اکسید کربن به ازای واحد تولید ناخالص داخلی، سهم ۲۱.۷ درصدی سوخت‌های غیرفسیلی در مصرف انرژی، و هدف کاهش حدود ۳.۸ درصدی شدت کربن در سال ۲۰۲۶، نشان می‌دهد که **گذار سبز برای چین هم ضرورت زیست‌محیطی است، هم فرصت صنعتی و هم بخشی از تصویر تمدنی مدرنیزاسیون چینی**.

در نهایت، این گزارش از نظر ایدئولوژیک در چارچوب رهبری حزب کمونیست چین، اندیشه شی جین‌پینگ و مدرنیزاسیون چینی صورت‌بندی شده است. گزارش **دستاوردهای ۲۰۲۵ و برنامه‌ریزی برای ۲۰۲۶ را نتیجه رهبری متمرکز کمیته مرکزی حزب با شی‌جین‌پینگ در هسته آن می‌داند و توسعه اقتصادی را از اهداف سیاسی، حاکمیتی و سرزمینی جدا نمی‌کند**. تأکید بر یک کشور، دو نظام، ادغام هنگ‌کنگ و ماکائو در توسعه ملی، مخالفت با استقلال تایوان و پیشبرد وحدت ملی نشان می‌دهد که رشد، نوآوری، امنیت، رفاه، گشودگی و گذار سبز همگی در خدمت پروژه بزرگ‌تر احیای عظیم ملت چین قرار دارند.

در جمع‌بندی، این گزارش سندی جامع درباره دولت توسعه‌گرا، امنیت‌محور، فناورانه و برنامه‌محور چین در آغاز برنامه پنج‌ساله پانزدهم است. اهمیت اصلی آن در پیوندزدن توسعه با امنیت، بازار داخلی با گشودگی جهانی، نوآوری فناورانه با استقلال راهبردی، رفاه اجتماعی با ثبات سیاسی، گذار سبز با بازسازی صنعتی، و برنامه‌ریزی اقتصادی با مشروعیت ایدئولوژیک حزب کمونیستی چین نهفته است. این گزارش نشان می‌دهد که چین در مرحله جدید، مدرنیزاسیون چینی را از مسیر رشد باکیفیت، خوداتکایی فناورانه، امنیت جامع، گشودگی گزینشی، عدالت اجتماعی، گذار سبز و قدرت‌سازی ملی دنبال می‌کند.

۶-۱ جمع‌بندی

از جمع‌بندی فصل اول و دوم این گزارش می‌توان دریافت که چین در عصر شی جین‌پینگ صرفاً در حال افزایش قدرت اقتصادی یا ژئوپلیتیکی نیست؛ بلکه در حال بازتعریف هویت و نقش جهانی خود به‌عنوان یک تمدن-دولت در مسیر احیای تاریخی است. چین الگویی متفاوت از قدرت غربی و میانجی اخلاقی میان توسعه و عدالت جهانی را ارائه می‌کند؛ چرا که خویش را وارث تمدن شرقی که قرن تحقیر را تجربه کرده است، می‌داند. از این منظر، مفاهیمی مانند **جامعه‌ای با سرنوشت مشترک برای بشریت، ابتکارات توسعه، امنیت، تمدن و حکمرانی جهانی، و ابتکار کمربند و جاده**، ابزارهای گفتمانی و نهادی برای تثبیت این تعریف از خود هستند.

هویت چینی در این چارچوب بر سه پایه استوار است: نخست، میراث فلسفی کنفوسیوسی-تائویی و تأکید بر هماهنگی، همکاری و نفی سلطه؛ دوم، تجربه تاریخی رنج، تحقیر و بازسازی اعتماد به نفس ملی؛ و سوم، ادغام مارکسیسم چینی با توسعه اشتراکی و مترالیسم تاریخی. در نتیجه، سیاست خارجی چین، صرفاً واکنشی تاکتیکی به تحولات محیط بین‌الملل نخواهد بود؛ چرا که هر گونه سیاست خارجی برای چین، امتداد بیرونی برای نیل به هدف درونی (و مبتنی بر عمل) پروژه احیای ملی است.

سیر تاریخی این هویت از تمرکز مائو بر قوی بودن برای بقا، به راهبرد دنگ و جانشینانش در پنهان‌سازی توانایی‌ها و حفظ پروفایل پایین، و سپس به الگوی شی جین‌پینگ در تلاش برای دستاورد رسیده است. در دوره شی، چین می‌کوشد میان قدرت مادی و پذیرش اجتماعی، یا میان قوی بودن و خوب بودن، توازن برقرار کند. با این حال، همین نقطه منشأ تنش اصلی است: چین خود را قدرتی مسئول، غیرهژمونیک و توسعه‌گرا معرفی می‌کند؛ اما بسیاری از تحلیلگران غربی آن را قدرتی تجدیدنظرطلب، قاعده‌ساز و رقیب ساختاری نظم لیبرال می‌بینند.

از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل، راهبرد کلان چین پروژه‌ای برای تبدیل توسعه داخلی به قدرت ساختاری جهانی است. در این پروژه، رشد اقتصادی، نوسازی نظامی، خوداتکایی فناورانه، امنیت زنجیره تأمین، بازار داخلی نیرومند، رفاه اجتماعی، گذار سبز، گشودگی گزینشی و پیوند با جنوب جهانی، اجزای یک منظومه واحد به نام **احیای**

عظیم ملت چین هستند. توسعه اقتصادی در این مدل هدف نهایی نیست؛ بلکه ابزاری برای افزایش قدرت جامع ملی، تثبیت مشروعیت حزب کمونیست و ارتقای جایگاه جهانی چین است.

امنیت ملی نیز در منطق چینی معنایی فراگیر دارد. امنیت حزب، دولت و کشور تقریباً یکپارچه تلقی می‌شود؛ و حوزه‌هایی چون غذا، انرژی، فناوری، داده، مالی، زنجیره تأمین، محیط زیست، قلمرو، ایدئولوژی و نظامی را دربر می‌گیرد. از این‌رو، سیاست دفاع فعال، نوسازی ارتش تا ۲۰۳۵، تبدیل آن به نیروی جهانی تا ۲۰۴۹ و آمادگی برای جنگ‌های اطلاعات‌محور و هوشمند، بخشی از پروژه بزرگ‌تر امنیت و احیای ملی‌اند.

در سطح خارجی، چین از طریق کمربند و جاده، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، کنفرانس‌های بین‌دولتی، همکاری با جنوب جهانی، سازمان همکاری شانگهای، بریکس، آسه‌آن، آفریقا، جهان عرب و آمریکای لاتین، شبکه‌ای از نفوذ اقتصادی، نهادی و گفتمانی می‌سازد. هدف این اقدامات، ادغام فعال در اقتصاد جهانی توأم با کاهش وابستگی راهبردی به غرب است. در سطح تمدنی، ابتکار تمدن جهانی پاسخی به روایت‌های غرب‌محور مانند برخورد تمدن‌ها، برتری تمدنی، و دوگانه دموکراسی-اقتدارگرایی است. چین با تأکید بر تنوع تمدنی، گفت‌وگو، یادگیری متقابل و احترام به مسیرهای متفاوت توسعه، می‌کوشد قدرت گفتمانی غرب را به چالش بکشد و الگویی بدیل برای نظم پساعربی ارائه دهد.

در پایان، **اگر به چین از زاویه نگاه خود او نگاه کنیم** و یک نتیجه‌ی سیاستی از تعریف هویت چینی و رویکرد خارجی آن برای اقتصاد ایران ذیل این پژوهش به‌دست آورده باشیم؛ آن نتیجه چنین بیان می‌شود که:

چین را نباید صرفاً شریک اقتصادی، رقیب امنیتی یا بازیگری ایدئولوژیک دانست؛ بلکه باید آن را یک پروژه جامع قدرت‌سازی تمدنی، فناورانه، توسعه‌ای و امنیتی فهم کرد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود هرگونه مواجهه با چین همزمان ظرفیت‌های همکاری، منطق رقابت، حساسیت‌های امنیتی و پیامدهای وابستگی اقتصادی و نهادی را در نظر بگیرد.

فصل سوم: منافع چین در محیط پیرامونی ایران بر اساس مناطق مختلف ژئوپلیتیکی

محیط پیرامونی ایران برای چین یک فضای یکپارچه و همگن نیست؛ پکن در خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز، عراق و شامات و محور افغانستان-پاکستان با ترکیبی متفاوت از اهداف انرژی، اتصال، بازار، امنیت و دیپلماسی عمل می‌کند. این مناطق از نگاه چین، پهنه ارتباطی چین با غرب اوراسیا است و به همان نحو، بالقوه می‌تواند دیوار دفاعی چین در برابر تهدیدات برخاسته از صفحات غربی باشد. اگر بنا باشد چین نفوذ خود را به سوی غرب بگستراند گریزی از دستیابی اقتصادی، سیاسی و نظامی به اوراسیای مرکزی ندارد. به همین ترتیب، دستیابی به منابع انرژی، چین را

ناگزیر به تعامل با منطقه خلیج فارس می‌سازد و در نهایت، تسلط بر گذرگاه‌های آبی ورود به اقیانوس هند را تشویق می‌کند. دستکم تا امروز، در این مناطق، «نفوذ» چین عمدتاً از مسیر تجارت، سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، پیمانکاری و ایجاد زیرساخت شکل می‌گیرد و کمتر به الگوی اتحاد سیاسی-امنیتی کلاسیک شباهت دارد. این الگو با **منطق ابتکار کمربند و راه^{۲۵}**، **ابتکار توسعه جهانی^{۲۶}** و ایده «جامعه بشری با آینده مشترک^{۲۷}» سازگار است و آن شامل اتصال فیزیکی و نهادی، گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری، حفاظت از زنجیره‌های تأمین و پرهیز از ورود مستقیم به منازعاتی که هزینه سیاسی و امنیتی بالایی ایجاد می‌کند، می‌باشد (State Council Information Office, 2023a, 2023b; Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2021).

۱-۲ منطق مشترک منافع چین در پیرامون ایران

از منظر سندپژوهی، چهار مؤلفه در اغلب مناطق پیرامونی ایران تکرار می‌شود. **نخست**، امنیت انرژی و تنوع‌بخشی به منابع عرضه؛ **دوم**، اتصال زمینی و دریایی شرق آسیا به آسیای مرکزی، خاورمیانه، اروپا و اقیانوس هند؛ **سوم**، دسترسی به بازارها و فرصت‌های پیمانکاری و صنعتی برای شرکت‌های چینی؛ و **چهارم**، حفظ ثبات سیاسی در حدی که جریان کالا، انرژی و سرمایه مختل نشود. برنامه پانزدهم توسعه چین نیز در بخش گشایش خارجی بر ارتقای کیفیت همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری، ساخت باکیفیت کمربند و راه و پیوند دادن «بازشدن سطح بالا» با امنیت اقتصادی و تاب‌آوری زنجیره‌ها تأکید می‌کند. **بنابراین، برای پکن «ثبات قابل پیش‌بینی» غالباً مهم‌تر از همسویی سیاسی کامل یک شریک است** (Outline of the 15th Five-Year Plan, 2026; State Council Information Office, 2025).

همین منطق توضیح می‌دهد که چرا چین به‌طور هم‌زمان با ایران، عربستان سعودی، امارات، قطر، عراق، پاکستان، قزاقستان، ازبکستان، آذربایجان و گرجستان همکاری راهبردی یا پروژه‌ای را توسعه داده است. در عمل، پکن از سیاست «چندمسیرسازی یا تنوع مسیر^{۲۸}» استفاده می‌کند: **هیچ کریدور، تأمین‌کننده انرژی یا شریک منطقه‌ای نباید به نقطه شکست واحد تبدیل شود.** این ویژگی برای ایران دو پیام دارد؛ **نخست آنکه موقعیت جغرافیایی ایران بالقوه ارزشمند است، اما**

^{۲۵} - ابتکار کمربند و راه (Belt and Road Initiative: BRI)، چارچوب همکاری فرامرزی چین با تمرکز بر اتصال زیرساختی، تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری توسعه‌ای

^{۲۶} - ابتکار توسعه جهانی (Global Development Initiative: GDI): ابتکاری که چین در سال ۲۰۲۱ برای تقویت همکاری‌های توسعه‌ای و تسریع تحقق اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ مطرح کرد و بر حوزه‌هایی مانند کاهش فقر، امنیت غذایی، تأمین مالی توسعه، توسعه سبز، صنعتی‌شدن، اقتصاد دیجیتال و اتصال زیرساختی تمرکز دارد.

^{۲۷} - جامعه بشری با آینده مشترک (Global Community of Shared Future): چارچوب کلان پیشنهادی چین برای تبیین نظم و همکاری بین‌المللی که بر وابستگی متقابل کشورها، چندجانبه‌گرایی، امنیت مشترک، توسعه و منافع متقابل، گفت‌وگوی تمدنی و پرهیز از رویکردهای تقابلی و حاصل جمع صفر تأکید دارد.

^{۲۸} - چند مسیرسازی یا تنوع مسیر (Route Diversification)، توزیع جریان کالا، انرژی یا ترانزیت میان چند مسیر جایگزین برای کاهش وابستگی به یک مسیر یا کلواکه منفرد.

انحصاری نیست؛ **دوم آنکه** هر مسیر یا پروژه ایرانی باید از نظر هزینه، زمان، ریسک حقوقی و قابلیت تأمین مالی با گزینه‌های رقیب مقایسه‌پذیر باشد (State Council Information Office, 2023b; Nedopil Wang, 2020).

۲-۲ خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان: انرژی، صنعت و فناوری در کنار موازنه سیاسی

خلیج فارس مهم‌ترین گره انرژی خارجی چین و یکی از پرشتاب‌ترین حوزه‌های گسترش همکاری صنعتی و فناوری پکن است. سند سیاست عربی چین از یک الگوی «۱+۲+۳» سخن می‌گوید که در آن انرژی، هسته مرکزی، زیرساخت و تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری دو بال اصلی، و فناوری‌های نوین از جمله انرژی هسته‌ای، ماهواره و انرژی‌های جدید سه حوزه رشد محسوب می‌شوند. در سال‌های اخیر این الگو از خرید نفت خام فراتر رفته و به پالایش، پتروشیمی، انرژی تجدیدپذیر، خودروهای برقی، مخابرات و زیرساخت دیجیتال امتداد یافته است (State Council of the People's Republic of China, 2016; Fulton, 2019).

قرارداد توسعه مجموعه پالایشی-پتروشیمی یاسرف در یمن عربستان، میان آرامکو و سینوپک، نمونه روشنی از این گذار است. چارچوب همکاری اعلام‌شده در آوریل ۲۰۲۵، مطالعه و توسعه یک مجتمع یکپارچه شامل کراکر بخار با ظرفیت ۱.۸ میلیون تن و مجتمع آروماتیک با ظرفیت ۱.۵ میلیون تن در سال را هدف گرفته است. اهمیت این نمونه صرفاً در اندازه پروژه نیست؛ بلکه در پیوند سرمایه چینی با خوراک مطمئن، بازار منطقه‌ای، زیرساخت بندری و شریک محلی دارای ترازنامه قوی نهفته است. این همان مجموعه عواملی است که پروژه‌های مشابه در ایران برای رقابت با مقاصد عربی باید فراهم کنند (Aramco, 2025). در امارات، عربستان و قطر، چین در فضایی فعالیت می‌کند که از یک سو همکاری امنیتی این کشورها با ایالات متحده عمیق است و از سوی دیگر، دولت‌ها به دنبال تنوع‌بخشی به شرکای فناوری و سرمایه‌ای هستند. مانع اصلی نفوذ چین در این منطقه نه فقدان تقاضا، بلکه محدودیت‌های ناشی از رقابت آمریکا و چین در فناوری‌های حساس، نگرانی‌های امنیت داده، فشارهای سیاسی بر زیرساخت‌های مخابراتی و لزوم موازنه‌گری دولت‌های عربی است. در نتیجه، پکن معمولاً حوزه‌های اقتصادی را از تعهدات امنیتی جدا نگه می‌دارد و می‌کوشد روابط خود با ایران را نیز به گونه‌ای مدیریت کند که سرمایه‌گذاری و تجارت با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس آسیب نبیند (Fulton, 2019; RAND Corporation, 2022).

۳-۲ عراق و شامات: انرژی و بازسازی در محیط پریسک

عراق برای چین واجد سه مزیت هم‌زمان است: ذخایر بزرگ هیدروکربوری، نیاز گسترده به بازسازی زیرساخت و جایگاه جغرافیایی میان خلیج فارس، ایران، ترکیه و شامات. حضور شرکت‌های چینی در میدان‌های نفتی عراق در سال‌های اخیر از شرکت‌های بزرگ دولتی فراتر رفته و شرکت‌های مستقل نیز وارد قراردادهای اکتشاف و توسعه شده‌اند. گزارش‌های ۲۰۲۵ از توسعه فعالیت شرکت‌هایی چون Zhongman Petroleum, United Energy Group و Geo-Jade در بلوک‌ها و

میدان‌های مختلف عراق حکایت دارد؛ روندی که نشان می‌دهد بازار عراق برای شرکت‌های چینی صرفاً یک بازار پیمانکاری دولتی نیست و ظرفیت جذب سرمایه و اپراتورهای متنوع‌تر را نیز پیدا کرده است (Reuters, 2025).

در مقابل، عراق همچنان نمونه‌ای از محدودیت‌های نفوذ اقتصادی چین در محیط‌های برخوردار از حکمرانی چندلایه و ریسک سیاسی بالاست. ضعف حکمرانی، چندپارگی نهادی، فساد، ناامنی‌های محلی و حساسیت نسبت به تمرکز بیش از حد منافع اقتصادی و دارایی‌های نفتی در اختیار یک بازیگر خارجی، هزینه و پیچیدگی حضور چین را افزایش داده است. با این حال، سوریه در سال ۲۰۲۶ را نمی‌توان صرفاً در امتداد همین الگو تحلیل کرد. تحولات سیاسی پس از سقوط حکومت بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴، رفع تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا در مه ۲۰۲۵ و بازگشایی تدریجی فضای تعامل اقتصادی خارجی، سوریه را به عرصه‌ای در حال بازشدن برای بازسازی و سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است. در عین حال، استمرار شکنندگی امنیتی و آثار سرریز تنش‌های منطقه‌ای همچنان از عوامل تعیین‌کننده در ارزیابی ریسک ورود به این کشور محسوب می‌شوند؛ موضوعی که در مواضع رسمی چین نیز با تأکید بر ضرورت حفظ ثبات سوریه، جلوگیری از گسترش درگیری‌های منطقه‌ای و فراهم کردن شرایط بازسازی مورد توجه قرار گرفته است (Council of the European Union, 2026; Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China [MFA China], 2026c).

از منظر چین، مسئله سوریه اکنون بیش از گذشته واجد یک منطق رقابتی است. پکن علاوه بر ارزیابی ثبات سیاسی، امنیت پروژه‌ها، تضمین بازگشت سرمایه و جهت‌گیری خارجی دولت جدید سوریه، ناگزیر است حضور فزاینده بازیگران عربی و غربی را نیز در محاسبات خود وارد کند. عربستان سعودی در فوریه ۲۰۲۶ بسته‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها را در حوزه‌های مخابرات، هوانوردی، فرودگاهی و زیرساخت آب اعلام کرد که از جمله شامل صندوقی ۲ میلیارد دلاری برای توسعه دو فرودگاه حلب و سرمایه‌گذاری حدود ۸۰۰ میلیون دلاری STC در زیرساخت فیبر نوری سوریه بود؛ هم‌زمان، شرکت‌های آمریکایی و منطقه‌ای نیز برای ورود به بخش انرژی این کشور فعال شده‌اند (Reuters, 2026d, 2026e). در چنین فضایی، تأخیر چین در ورود به اقتصاد پساجنگ سوریه می‌تواند به واگذاری بخشی از بازارها و پروژه‌های راهبردی به رقبایی منجر شود که زودتر جایگاه خود را در ساختار اقتصادی جدید این کشور تثبیت می‌کنند. این رقابت حتی در حوزه فناوری آشکار شده است؛ به‌گونه‌ای که ایالات متحده در سال ۲۰۲۶ دمشق را به کاهش اتکا به تجهیزات مخابراتی چینی ترغیب کرده است (Reuters, 2026g).

بر این اساس، پرسش راهبردی پکن درباره سوریه دیگر صرفاً این نیست که «آیا ورود به سوریه از امنیت و بازده اقتصادی کافی برخوردار است؟»؛ بلکه این ملاحظه نیز اهمیت یافته است که «هزینه عدم ورود چین و واگذاری فضای اقتصادی و زیرساختی سوریه به سایر بازیگران چه خواهد بود؟». مواضع رسمی پکن در مه ۲۰۲۶ نیز نشان می‌دهد که چین ضمن حفظ رویکرد محتاطانه، آمادگی خود را برای کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی پساجنگ سوریه و گسترش همکاری‌های متقابلاً سودمند اعلام کرده و طرف سوری نیز خواستار مشارکت فعال‌تر چین در بازسازی شده است (MFA China, 2026d).

از این‌رو، می‌توان انتظار داشت چین به‌جای سرمایه‌گذاری گسترده و یکباره، رویکردی مرحله‌ای، انتخابی و پروژه‌محور اتخاذ

کند و حضور خود را ابتدا بر حوزه‌هایی متمرکز سازد که ضمن برخورداری از تضمین‌های حاکمیتی و امنیتی، با مزیت شرکت‌های چینی در زیرساخت، انرژی، حمل‌ونقل و فناوری سازگار باشند. چنین الگویی با منطق کلی ابتکار کمربند و راه در زمینه اتصال زیرساختی، همکاری صنعتی و توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری نیز سازگاری دارد (State Council, Information Office of the People's Republic of China, 2023b). در نتیجه، سوریه ۲۰۲۶ را باید نه صرفاً «مانعی در برابر نفوذ چین»، بلکه عرصه‌ای برای موازنه میان ریسک ورود و هزینه ژئواکونومیک عدم حضور تلقی کرد. در این منطقه از جهان به دلیل شدت رقابت‌های امنیتی، چین رویکردی محتاطانه برای ورود به منازعات منطقه‌ای اتخاذ کرده و می‌کوشد کمترین اصطکاک را با ایالات متحده ایجاد کند.

۴-۲ آسیای مرکزی: قلب اتصال زمینی و حوزه امنیت پیرامونی چین

آسیای مرکزی از معدود مناطق پیرامونی ایران است که در آن منافع اقتصادی و امنیتی چین به‌طور مستقیم به مرزهای غربی این کشور متصل می‌شود. خطوط لوله نفت چین-قزاقستان و گاز چین-آسیای مرکزی، شبکه جاده‌ای و ریلی و همکاری در مواد معدنی، کشاورزی و صنعت، این منطقه را به بخش مهمی از امنیت انرژی و اتصال خشکی چین تبدیل کرده است. در اجلاس دوم چین-آسیای مرکزی در آستانه در ژوئن ۲۰۲۵، طرف‌ها علاوه بر بیانیه آستانه و معاهده حسن همجواری دائمی، مجموعه‌ای از اسناد در زمینه کمربند و راه، قطارهای چین-اروپا/آسیا، حمل‌ونقل، صنعت، تجارت، گمرک و «مواد معدنی سبز» امضا کردند (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2025a, 2025c).

پروژه راه‌آهن چین-قرقیزستان-ازبکستان نیز از منظر ژئوپلیتیکی مهم است، زیرا یک مسیر زمینی اضافی به سمت غرب ایجاد می‌کند و در بلندمدت می‌تواند به شبکه‌های ایران، دریای خزر، قفقاز یا ترکیه متصل شود. برای چین، تعدد مسیرها ریسک اختلال را کاهش می‌دهد؛ اما برای ایران به این معناست که مزیت ترانزیتی باید با زمان عبور، تعرفه رقابتی، قابلیت رهگیری، ظرفیت مرزی و ثبات مقرراتی تثبیت شود. در غیر این صورت، مسیرهای خزر و «کریدور میانی»^{۲۹} سهم بیشتری از ترافیک شرق-غرب خواهند گرفت (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2025a; State Council, Information Office, 2023b).

موانع حضور چین در آسیای مرکزی شامل حساسیت نسبت به نفوذ روسیه، نگرانی‌های اجتماعی درباره وابستگی اقتصادی، مسائل مرزی و آبی، ظرفیت محدود نهادهای مالی محلی و ریسک تحریم‌های ثانویه در تعامل با روسیه و ایران است. از این رو، پکن به‌طور فزاینده قراردادهای کوچک‌تر، مشارکت‌های صنعتی، توسعه تجارت محلی و استانداردسازی گمرکی را در کنار پروژه‌های بزرگ دنبال می‌کند؛ الگویی که با تغییر جهت کمربند و راه از «ابروپروژه» به پروژه‌های قابل کنترل و بازده‌پذیر سازگار است (Nedopil Wang, 2026). هرچند در میان مدت آسیای مرکزی منطقه کانونی در کشاکش‌های ژئوپلیتیکی

^{۲۹} - کریدور میانی (Middle Corridor) مسیر حمل‌ونقل ترانس‌خزر (مسیر شرق به غرب از طریق دریای خزر) که چین و آسیای مرکزی را از طریق دریای خزر، قفقاز و ترکیه به اروپا متصل می‌کند.

نیست و تمرکز رقابت‌های بین‌المللی به اروپای شرقی و خلیج فارس معطوف شده است اما پکن به خوبی می‌داند که در بلندمدت روسیه و چین همراه با بازیگران کوچکتری مانند ایران، ترکیه و اتحادیه اروپایی رقبایی سرسخت برای جلوگیری از گسترش بی حد و مرز نفوذ چین در این منطقه محسوب می‌شوند.

۵-۲ قفقاز جنوبی: کریدور میانی و رقابت مسیرها

قفقاز جنوبی برای چین در درجه نخست یک فضای اتصال به اروپا و دریای سیاه و در درجه دوم یک حوزه انرژی و همکاری سبز است. چین در ۲۰۲۴ رابطه خود با آذربایجان را به «مشارکت راهبردی» ارتقا داد و در بیانیه مشترک دو کشور صراحتاً از مشارکت فعال در توسعه کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی ترانس‌خزر و مسیر جنوبی قطارهای چین-اروپا حمایت شد. در ژوئن ۲۰۲۶ نیز روابط چین و گرجستان از مشارکت راهبردی به «مشارکت جامع راهبردی» ارتقا یافت؛ نشانه‌ای از آنکه پکن مسیر دریای خزر-قفقاز-دریای سیاه را به‌عنوان یک گزینه بلندمدت جدی دنبال می‌کند (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2024b, 2026f).

برای ایران، این تحول دوگانه است. از یک سو، اتصال ایران به آذربایجان، ارمنستان و بنادر دریای خزر امکان مشارکت در شبکه‌های شرقی-غربی را ایجاد می‌کند؛ از سوی دیگر، تقویت مسیر ترانس‌خزر می‌تواند بخشی از بار بالقوه ایران را دور بزند. مانع اصلی نفوذ چین در قفقاز، شکنندگی امنیتی پس از مناقشه قره‌باغ، رقابت روسیه و ترکیه، حساسیت اتحادیه اروپا و پیچیدگی استانداردهای حمل‌ونقل چندکشوری است. پکن به همین دلیل بر تجارت، انرژی سبز، لجستیک و زیرساخت تمرکز کرده و از ورود مستقیم به ترتیبات امنیتی منطقه فاصله گرفته است (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2024; RAND Corporation, 2022).

۶-۲ افغانستان، پاکستان و اقیانوس هند: دسترسی به آب‌های آزاد در کنار ریسک امنیتی

در جنوب و جنوب‌شرق ایران، پاکستان مهم‌ترین شریک کریدوری چین است. کریدور اقتصادی چین-پاکستان^{۳۰}، بندر گوادر، فرودگاه جدید گوادر، محور قراقرم و پروژه ارتقای خط ریلی ML-1 اجزای یک راهبرد وسیع‌تر برای پیوند سین‌کیانگ با دریای عرب و ایجاد ظرفیت صنعتی در پاکستان‌اند. بیانیه مشترک چین و پاکستان در فوریه ۲۰۲۵ بر توسعه بندر گوادر به‌عنوان هاب لجستیکی چندوجهی، پیشبرد مرحله‌ای ML-1، سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در مناطق اقتصادی ویژه، معدن و انرژی و مشارکت طرف‌های ثالث در CPEC تأکید می‌کند (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2025b). با این حال، پاکستان همچنان یکی از روشن‌ترین مصادیق هزینه امنیتی و مالی حضور اقتصادی چین در محیط‌های پرریسک است. تکرار حملات علیه اتباع و پروژه‌های چینی، به‌ویژه در بلوچستان و کراچی، موجب شده امنیت نیروی انسانی و دارایی‌های

^{۳۰} - کریدور اقتصادی چین-پاکستان (China-Pakistan Economic Corridor: CPEC)، مجموعه پروژه‌های انرژی، حمل‌ونقل، بندری و صنعتی میان چین و پاکستان که یکی از کریدورهای شاخص ابتکار کمربند و راه است.

چینی به یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوی پکن و اسلام‌آباد تبدیل شود؛ تا آنجا که در مرحله دوم کریدور اقتصادی چین-پاکستان، دولت پاکستان بارها حفاظت از اتباع، پروژه‌ها و مؤسسات چینی را پیش‌شرط تداوم و تعمیق همکاری معرفی کرده است (Government of Pakistan, 2024a, 2024b). هم‌زمان، محدودیت‌های مالی پاکستان نیز همچنان بر ظرفیت اجرای طرح‌های بزرگ زیرساختی اثر می‌گذارد. برنامه اصلاحی این کشور تحت «تسهیلات اعتباری توسعه‌یافته» صندوق بین‌المللی پول از ۲۰۲۴ ادامه یافته و ارزیابی‌های صندوق در ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶، با وجود بهبود نسبی ثبات اقتصاد کلان، همچنان بر نیاز به تأمین مالی خارجی، اصلاح بخش انرژی، بنگاه‌های دولتی و تقویت پایداری مالی تأکید دارند (International Monetary Fund [IMF], 2025, 2026). بنابراین، حرکت چین به سمت «CPEC 2.0» بیشتر بر صنعتی‌سازی، مناطق ویژه اقتصادی، کشاورزی، فناوری و پروژه‌های دارای بازده اقتصادی روشن متمرکز شده و نسبت به دوره نخست، حساسیت بیشتری نسبت به امنیت، بازپرداخت و قابلیت تجاری پروژه‌ها نشان می‌دهد.

در افغانستان نیز منافع چین ترکیبی از دسترسی به منابع معدنی، اتصال منطقه‌ای و ملاحظات امنیتی پیرامون سین‌کیانگ است، اما تعامل سیاسی فزاینده هنوز به سرمایه‌گذاری گسترده و کم‌ریسک تبدیل نشده است. پذیرش سفیر معرفی‌شده از سوی طالبان در پکن و گسترش تماس‌های دیپلماتیک، نشان‌دهنده رویکرد عمل‌گرایانه چین است، با این حال نظام تحریمی مرتبط با طالبان در شورای امنیت همچنان برقرار است و محدودیت دسترسی به نظام مالی بین‌المللی، کمبود نقدینگی و ضعف محیط سرمایه‌گذاری پابرجاست (United Nations Security Council, 2026; United Nations in Afghanistan, 2026). گزارش سازمان ملل درباره عملکرد اقتصادی افغانستان در ۲۰۲۵ نیز تصریح می‌کند که بخش خصوصی همچنان با محدودیت دسترسی بانکی و جریان ضعیف سرمایه‌گذاری مواجه است. در کنار این محدودیت‌ها، چین امنیت را نیز شرط اساسی گسترش تعامل می‌داند و بر جلوگیری از فعالیت گروه‌های مرتبط با «جنبش اسلامی ترکستان شرقی» و حفاظت از اتباع و مؤسسات چینی تأکید دارد. در نتیجه، علاقه پکن به معادن، انرژی و اتصال افغانستان را باید بیش از آنکه به معنای تعهد سرمایه‌ای گسترده دانست، نوعی تعامل گزینشی و مشروط به کاهش ریسک امنیتی، مالی و نهادی تلقی کرد.

۷-۲ جمع‌بندی

بررسی مناطق پیرامونی ایران نشان می‌دهد که چین یک «نقشه تک‌محور» برای غرب آسیا و اوراسیا ندارد. پکن هم‌زمان در خلیج فارس بر انرژی و صنعت، در آسیای مرکزی بر خطوط لوله و اتصال زمینی، در قفقاز بر کریدور میانی، در پاکستان بر دسترسی به دریای عرب و در عراق بر انرژی و بازسازی سرمایه‌گذاری می‌کند. این تنوع، آسیب‌پذیری چین را کاهش می‌دهد، اما جایگاه ایران را از یک «مسیر اجتناب‌ناپذیر» به یک «گزینه بالقوه با ارزش راهبردی» تبدیل می‌کند. بنابراین، مزیت ایران

زمانی فعال می‌شود که پروژه‌های ایرانی از منظر بانک‌پذیری^{۳۱}، ثبات مقررات، امنیت، زمان اجرا و امکان اتصال فرامرزی با پروژه‌های رقیب برابری کنند یا برتری داشته باشند (State Council Information Office, 2023b; Nedopil Wang, 2026).

برای بخش خصوصی ایران، فرصت همکاری الزاماً در انتظار سرمایه‌گذاری بزرگ دولت چین خلاصه نمی‌شود. زنجیره وسیعی از شرکت‌های مهندسی، اپراتورهای انرژی، تولیدکنندگان تجهیزات، شرکت‌های لجستیک و بنگاه‌های فناوری چینی در کشورهای پیرامونی ایران فعال‌اند. اتصال بنگاه ایرانی به این شبکه از طریق پیمانکاری مشترک، تأمین قطعه، خدمات فنی، حمل‌ونقل، مناطق آزاد و پروژه‌های سه‌جانبه می‌تواند عملی‌تر از انتظار برای قراردادهای دولتی بزرگ باشد؛ مشروط به آنکه شریک ایرانی بتواند ریسک حقوقی و اجرایی را کاهش دهد و پروژه را به زبان مالی و فنی قابل فهم برای طرف چینی عرضه کند.

فصل چهارم: منافع چین در رابطه با ایران و فرصت‌های همکاری اقتصادی برای بخش خصوصی

۱-۳ جایگاه ایران در نگاه و راهبردهای کلان چین

روابط ایران و چین در اسناد رسمی بر «مشارکت جامع راهبردی» استوار است؛ عنوانی که در بیانیه مشترک ۲۰۱۶ تثبیت شد و در سال‌های بعد در دیدارهای سطح بالا و برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله تکرار شده است. با این حال، «راهبردی» بودن رابطه به معنای اتحاد، تعهد دفاعی یا اولویت مطلق ایران در سیاست خارجی چین نیست. ایران برای پکن مجموعه‌ای از کارکردهای مهم دارد: منبع انرژی، بازار و شریک صنعتی بالقوه، حلقه‌ای از اتصال آسیای مرکزی به خلیج فارس و غرب آسیا، عضو سازمان همکاری شانگهای و بریکس و بازیگری مستقل در برابر نظم تحت رهبری آمریکا. در عین حال، چین روابطی به‌مراتب گسترده‌تر از نظر سرمایه، تجارت و فناوری با کشورهای عربی خلیج فارس و نیز منافع حیاتی در رابطه با ایالات متحده و اروپا دارد (PRC & Islamic Republic of Iran, 2016; Garver, 2006; Harold & Nader, 2012).

این دوگانگی، ماهیت واقعی جایگاه ایران را توضیح می‌دهد: ایران برای چین «مهم» است، اما معمولاً «انحصاری» یا «جایگزین‌ناپذیر» نیست. تحلیل‌های جدید درباره جنگ ۲۰۲۶ نیز همین تصویر را تقویت می‌کنند. در ارزیابی بروکینگز، ایران برای حفظ اقتصاد خود به چین اهمیت بسیار بیشتری می‌دهد تا چین برای حفظ اقتصاد خود به ایران؛ از منظر پکن، ایران

^{۳۱} - بانک‌پذیری (Bankability)، میزان قابلیت یک پروژه برای جذب تأمین مالی بر اساس جریان درآمد، تضمین‌ها، تخصیص ریسک، ساختار قراردادی و توان بازپرداخت.

یک شریک رده میانی است و ثبات محیط خارجی پیش از جنگ با منافع چین سازگاری بیشتری داشت (Hass, Karlin, & Maloney, 2026). این عدم تقارن باید مبنای طراحی هر پیشنهاد اقتصادی از سوی ایران قرار گیرد.

۲-۳ جایگاه ایران در رقابت چین و ایالات متحده و پیوند آن با متحدان شرق آسیا

رقابت چین و ایالات متحده از حوزه تعرفه و تجارت به فناوری‌های پیشرفته، نیمه‌رسانا، هوش مصنوعی، زنجیره‌های تأمین، سرمایه‌گذاری و بازدارندگی نظامی کشیده شده است. اسناد رسمی چین سیاست‌های آمریکا را در قالب مهار فناوری، «جداسازی» و «کاهش ریسک»^{۳۲} نقد می‌کنند و برنامه پانزدهم نیز بر خوداتکایی فناوری، امنیت اقتصادی و در عین حال حفظ گشایش خارجی تأکید دارد. در چنین فضایی، ایران برای چین از یک سو یک شریک غیرغربی و منبع بالقوه انرژی و بازار خارج از مدار آمریکا است؛ از سوی دیگر، تحریم‌های آمریکا می‌تواند همکاری با ایران را به کانالی برای انتقال ریسک ثانویه به بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ چینی تبدیل کند (State Council Information Office, 2025; State Council Information Office, 2026a; Carnegie Endowment for International Peace, 2025).

نقش ژاپن و کره جنوبی در این معادله غیرمستقیم اما مهم است. اتحادهای امنیتی آمریکا در شرق آسیا، محدودیت‌های صادراتی در نیمه‌رساناها و همسویی فزاینده توکیو و سئول با سیاست‌های فناوری واشنگتن، فشار چین برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی و بازارها و تقویت خودکفایی صنعتی را افزایش می‌دهد. با این حال، همین رقابت باعث می‌شود پکن نسبت به اقداماتی که جبهه تحریم یا محدودیت فناوری غرب را گسترده‌تر کند محتاط‌تر باشد. بنابراین، ایران نمی‌تواند صرفاً بر منطق «دشمن مشترک» برای جذب سرمایه چین تکیه کند؛ پروژه باید برای شرکت چینی مزیت اقتصادی مستقلی داشته باشد و سازوکار حقوقی و مالی آن قابل دفاع باشد (Chivvis et al., 2025; Heath, 2021).

۳-۳ موانع ورود و تعمیق حضور اقتصادی چین در ایران

مهم‌ترین مانع، نظام تحریم و دشواری تسویه مالی بین‌المللی است. محدودیت دسترسی به دلار، ریسک تحریم ثانویه، حساسیت بانک‌های بزرگ چین و دشواری بیمه و کشتیرانی، هزینه معامله را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، حتی شرکت چینی علاقه‌مند به بازار ایران ممکن است برای حفظ دسترسی خود به بازار آمریکا، اروپا یا شبکه مالی جهانی، همکاری را محدود به ساختارهای کوچک‌تر یا غیرشفاف‌تر کند. نتیجه آن است که رابطه اقتصادی به‌جای حرکت به سمت سرمایه‌گذاری مولد بلندمدت، مستعد تمرکز بر تجارت کالا و خرید انرژی با تخفیف می‌شود (Harold & Nader, 2012; Shariatinia, 2020).

۳۲ - کاهش ریسک (De-risking) سیاست محدودسازی وابستگی در حوزه‌های حساس بدون قطع کامل روابط اقتصادی؛ این مفهوم در سیاست آمریکا و برخی متحدان آن درباره چین کاربرد گسترده یافته است.

مانع دوم، پیش‌بینی‌ناپذیری محیط کسب‌وکار ایران است: تغییر مقررات تجاری و ارزی، دشواری انتقال سود، فرآیندهای طولانی مجوز، تعارض نهادهای تصمیم‌گیر و ضعف سازوکار حل اختلاف. **مانع سوم** به کیفیت پروژه مربوط است. بسیاری از پیشنهادها در سطح «ایده» باقی می‌مانند و فاقد مطالعه امکان‌سنجی، مدل درآمدی، تضمین خوراک یا خرید، زمین، مجوز، شریک محلی و چارچوب بازپرداخت‌اند. تجربه پروژه‌های کمربند و راه‌نشان می‌دهد که در دوره جدید، شرکت‌ها و تأمین‌کنندگان مالی چینی نسبت به ریسک بدهی و بازده تجاری سخت‌گیرتر شده‌اند (Nedopil Wang, 2026).

مانع چهارم، ریسک ژئوپلیتیکی و امنیتی است. جنگ ۲۰۲۶ نشان داد که دارایی، کارکنان و مسیرهای حمل‌ونقل چین در خلیج فارس می‌تواند در یک منازعه منطقه‌ای به سرعت در معرض خطر قرار گیرد. برای شرکت چینی، پروژه‌ای در ایران فقط با ریسک داخلی ایران سنجیده نمی‌شود؛ بلکه با احتمال اختلال تنگه هرمز، حملات به زیرساخت انرژی، بیمه جنگی، دسترسی به قطعات و واکنش آمریکا و کشورهای عربی نیز ارزیابی می‌شود. این واقعیت باعث افزایش «نرخ تنزیل ریسک»^{۳۳} و کاهش جذابیت پروژه‌های بلندمدتی می‌شود که جریان درآمدی آن‌ها در برابر شوک‌های سیاسی آسیب‌پذیر است (Hass et al., 2026; Reuters, 2026b).

۳-۴ انتظارات چین از ایران: ثبات، قابلیت اجرا و عدم انتقال هزینه ژئوپلیتیکی

از کنار هم قرار دادن اسناد رسمی چین و تجربه عملی پروژه‌ها می‌توان مجموعه‌ای از انتظارات نسبتاً پایدار را استخراج کرد. نخست، چین خواهان ثبات منطقه‌ای و بازماندن مسیرهای انرژی و تجارت است. موضع رسمی پکن در جریان جنگ ۲۰۲۶ بارها بر توقف درگیری، احترام به حاکمیت کشورها، حل سیاسی بحران و بازگشایی سریع مسیر کشتیرانی در تنگه هرمز تأکید کرد. این موضع نشان می‌دهد که «امنیت جریان انرژی و تجارت» برای چین یک منفعت مستقیم است و حمایت سیاسی از ایران تا جایی پیش می‌رود که با این منفعت تعارض پیدا نکند (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2026b, 2026e).

دوم، پکن از ایران انتظار دارد همکاری اقتصادی، قابل پیش‌بینی و قابل اجرا باشد. در منطق چینی، مشارکت بلندمدت زمانی ارزش دارد که از سطح بیانی به سبب پروژه‌های مشخص، دارای متولی، برنامه زمانی و مدل مالی تبدیل شود. سوم، چین علاقه‌مند است روابط خود با ایران بدون تحمیل هزینه انتخاب میان تهران و شرکای عربی یا میان تهران و واشنگتن پیش برود. چهارم، در موضوعات حساس مانند هسته‌ای و امنیت منطقه‌ای، چین ایران را به مدیریت تنش و مذاکره تشویق می‌کند، زیرا تشدید بحران مستقیماً بر قیمت انرژی، تجارت و برنامه‌های سرمایه‌گذاری چین اثر می‌گذارد (PRC, Saudi Arabia, 2023; Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2026e).

^{۳۳} - نرخ تنزیل ریسک (Risk-adjusted Discount Rate)، نرخ‌ای که برای ارزش‌گذاری جریان‌های مالی آتی با لحاظ ریسک‌های سیاسی، تجاری و اجرایی پروژه به کار می‌رود.

۳-۵ نگاه چین به جنگ تحمیلی اخیر آمریکا علیه ایران و اختلال در تنگه هرمز: فرصت‌ها و تهدیدها

واکنش چین به حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ (۹ اسفندماه ۱۴۰۴) از ابتدا بر سه محور استوار بود: مخالفت با نقض حاکمیت و تمامیت ارضی ایران، درخواست توقف عملیات نظامی و تأکید بر بازگشت به گفت‌وگو. با طولانی شدن جنگ، ادبیات رسمی پکن بیش از پیش بر پیامدهای اقتصادی و منطقه‌ای تمرکز کرد. وزارت خارجه چین در مه ۲۰۲۶ اعلام کرد که جنگ به رشد جهانی، زنجیره‌های تولید و تأمین، نظم تجارت بین‌المللی و ثبات عرضه انرژی فشار شدیدی وارد کرده است. این چارچوب، از منظر منافع چین بسیار گویاست: مسئله اصلی پکن نه صرفاً سرنوشت یک شریک، بلکه هزینه سیستمی بی‌ثباتی خلیج فارس است (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2026a, 2026b).

تهدید نخست برای چین، امنیت انرژی است. اختلال در تنگه هرمز بخشی از عرضه خلیج فارس به آسیا را محدود کرد و چین را به افزایش اتکا به ذخایر و منابع جایگزین سوق داد. در ژوئیه ۲۰۲۶ پالایشگران چینی برای محموله‌های سپتامبر خرید نفت روسیه را افزایش دادند و هم‌زمان فرصت خرید مجدد نفت ایران را بررسی کردند. تهدید دوم، آسیب به تجارت و حمل‌ونقل است؛ زیرا هم‌زمانی ریسک هرمز و باب‌المندب، دو مسیر مهم اتصال خاورمیانه به آسیا را تحت فشار قرار می‌دهد. تهدید سوم، دشوار شدن موازنه سیاسی چین میان ایران و کشورهای عربی است؛ به‌ویژه زمانی که حملات متقابل، زیرساخت‌ها یا کشتیرانی کشورهای شریک چین را در معرض خطر قرار دهد (Reuters, 2026a, 2026f; Hass et al., 2026).

با این حال، بحران برای چین فرصت‌های محدودی نیز ایجاد کرده است. نخست، نقش میانجی و اعتبار دیپلماتیک چین می‌تواند افزایش یابد؛ به‌ویژه اگر پکن بتواند از روابط خود با ایران، پاکستان، عربستان و آمریکا برای تسهیل گفت‌وگو استفاده کند. گزارش ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۶ از تلاش پاکستان برای احیای گفت‌وگوهای آمریکا و ایران با ابتکار و پشتیبانی چین حکایت دارد. دوم، در دوره پساجنگ، نیاز ایران به بازسازی زیرساخت انرژی، حمل‌ونقل، برق و صنعت می‌تواند فضای جدیدی برای شرکت‌های چینی ایجاد کند. سوم، فشار بر مسیرهای دریایی ممکن است ارزش مسیرهای زمینی اوراسیا و پروژه‌های اتصال ریلی از چین و آسیای مرکزی به ایران را افزایش دهد. با این حال، هیچ‌یک از این فرصت‌ها خودکار نیست و بدون کاهش ریسک سیاسی و ایجاد سازوکار مالی پایدار به قرارداد واقعی تبدیل نمی‌شود (Reuters, 2026c; Hass et al., 2026).

۳-۶ ظرفیت‌های برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله و علایق اقتصادی قابل استنباط چین

برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین را باید بیش از آنکه یک قرارداد سرمایه‌گذاری با ارقام قطعی دانست، به‌عنوان «نقشه حوزه‌های همکاری» خواند. خلاصه رسمی منتشرشده از سوی وزارت امور خارجه ایران، اهداف و محورهایی را در انرژی، زیرساخت، حمل‌ونقل، مناطق آزاد، فناوری و مخابرات، همکاری مالی، کشاورزی، بهداشت، گردشگری، علمی و فرهنگی برمی‌شمارد. متن همچنین بر همکاری در نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی، انرژی‌های تجدیدپذیر، توسعه راه‌آهن و

مسیرهای ترانزیتی، همکاری بندری، تجارت و سرمایه‌گذاری مشترک و استفاده از ظرفیت مناطق آزاد تأکید دارد (وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰).

این حوزه‌ها با اسناد کلان چین نیز هم‌پوشانی زیادی دارند. ابتکار توسعه جهانی، صنعتی‌سازی، اقتصاد دیجیتال، امنیت غذایی، تأمین مالی توسعه، انرژی سبز و اتصال را جزو اولویت‌ها معرفی می‌کند؛ برنامه پانزدهم نیز بر فناوری، زیرساخت مدرن، تحول سبز، تجارت و سرمایه‌گذاری و ساخت باکیفیت کمر بند و راه تمرکز دارد. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که «علاقه‌مندی چین» در ایران نه صرفاً به نفت، بلکه به پروژه‌هایی معطوف است که هم‌زمان یکی از نیازهای راهبردی چین و یک مزیت قابل عرضه ایران را به هم متصل کنند (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2021; State Council of the People's Republic of China, 2026).

۷-۳ فرصت‌های همکاری اقتصادی قابل انتفاع برای بخش خصوصی ایران

در راستای بررسی صورت گرفته در اسناد راهبردی چین و سیاست‌های اعلامی آن کشور و تطابق آن با واقعیت‌های موجود منطقه غرب آسیا، خاورمیانه و ایران با تأکید بر برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین، فرصت‌های همکاری اقتصادی قابل انتفاع برای بخش خصوصی ایران را می‌توان در چارچوب موارد ذیل، دسته‌بندی نمود:

۱- انرژی و زنجیره پایین‌دستی. فرصت بخش خصوصی فقط در استخراج نفت و گاز نیست. خدمات مهندسی، ساخت تجهیزات، تعمیرات تخصصی، مواد شیمیایی، بهینه‌سازی انرژی، پالایش و پتروشیمی و نیز پروژه‌های کوچک و متوسط تجدیدپذیر قابلیت همکاری بیشتری دارند. مزیت بخش خصوصی در این حوزه، امکان تعریف پروژه‌های محدودتر و سریع‌تر از پروژه‌های کلان دولتی است. تجربه چین در عربستان نشان می‌دهد پروژه‌های یکپارچه خوراک-پالایش-پتروشیمی زمانی جذاب‌ترند که خوراک، بازار و شریک اجرایی روشن باشد (Aramco, 2025).

۲- لجستیک، ترانزیت و زنجیره تأمین. ایران در صورت بهبود قابلیت اطمینان مسیر، می‌تواند بخشی از شبکه چین-آسیای مرکزی-غرب آسیا و مسیرهای متصل به خلیج فارس را جذب کند. فرصت‌های بخش خصوصی شامل اپراتوری پایانه، انبارداری، لجستیک سرد، حمل ترکیبی، خدمات گمرکی دیجیتال، رهگیری محموله، تعمیر ناوگان و ایجاد مراکز توزیع است. رقابت اصلی ایران در این زمینه نه با یک کشور، بلکه با مجموعه مسیرهای قزاقستان-خزر-آذربایجان-گرجستان و چین-پاکستان است؛ از این رو کاهش زمان و عدم قطعیت در مرز و گمرک به اندازه هزینه حمل اهمیت دارد (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2025a; Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2024b).

۳- اقتصاد دیجیتال و زیرساخت هوشمند. اسناد توسعه چین بر 5G، هوش مصنوعی، داده، محاسبات، دیجیتالی‌سازی صنعت و خدمات و ارتقای اتصال دیجیتال تأکید دارند. در ایران، همکاری با شرکت‌های چینی می‌تواند در تجهیزات شبکه،

مراکز داده، خدمات ابری بومی، شهر هوشمند، مدیریت انرژی، تجارت الکترونیکی و دیجیتالی سازی زنجیره تولید دنبال شود. اما این حوزه از حساس ترین حوزه ها در رقابت فناوری چین و آمریکا است؛ بنابراین بنگاه ایرانی باید از ابتدا موضوع مالکیت داده، امنیت سایبری، استانداردها، مجوزهای صادراتی و امکان تأمین قطعات را در مدل پروژه لحاظ کند (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2021; State Council of the People's Republic of China, 2026).

۴- معدن، فلزات و صنایع سبز. برنامه پانزدهم چین و اسناد همکاری چین-آسیای مرکزی نشان می دهند که مواد معدنی و زنجیره صنایع سبز به یک اولویت پررنگ تبدیل شده است. ایران در مس، روی، سنگ آهن و برخی مواد معدنی صنعتی ظرفیت دارد و بخش خصوصی می تواند همکاری را از فروش ماده خام به سمت فرآوری، تجهیزات معدنی، بازیافت و تولید نیمه ساخته ها هدایت کند. شرط اصلی، شفافیت حقوق معدن، تأمین برق و آب و امکان صادرات محصول است؛ در غیر این صورت سرمایه گذار چینی گزینه های آسیای مرکزی، آفریقا و آمریکای لاتین را ترجیح خواهد داد (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2025c; State Council Information Office, 2026a).

۵- کشاورزی، غذا و امنیت تأمین. ابتکار توسعه جهانی، امنیت غذایی را یکی از حوزه های اولویت دار معرفی می کند. برای ایران، همکاری می تواند در گلخانه، آبیاری هوشمند، ماشین آلات، نهاده، سردخانه و لجستیک، فرآوری و صادرات محصولات دارای مزیت دنبال شود. به جای تمرکز بر صادرات خام، مدل های قراردادی شامل تولید مشترک، تضمین خرید، فرآوری و بسته بندی با استاندارد بازار چین می تواند سهم بخش خصوصی را افزایش دهد (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2021).

۷- پروژه های سه جانبه در کشورهای پیرامونی. یکی از کم استفاده ترین ظرفیت ها، ورود مشترک شرکت های ایرانی و چینی به عراق، آسیای مرکزی، افغانستان یا حتی بازارهای قفقاز است. شرکت ایرانی در برخی از این بازارها مزیت زبان، شبکه تجاری، تجربه اجرایی و نزدیکی جغرافیایی دارد و شرکت چینی از تأمین تجهیزات، منابع مالی، مقیاس تولید و تجربه EPC^{۳۴} برخوردار است. تعریف کنسرسیوم های پروژه محور می تواند ریسک ورود مستقیم چین به بازارهای پرریسک را کاهش دهد و هم زمان بنگاه ایرانی را به زنجیره ارزش منطقه ای متصل کند (Brookings Doha Center, 2020; State Council Information Office, 2023b).

^{۳۴} - قرارداد مهندسی، تأمین و ساخت (EPC یا Engineering, Procurement and Construction) که در آن پیمانکار مسئولیت یکپارچه طراحی، خرید تجهیزات و اجرای پروژه را بر عهده می گیرد.

۸- سازوکارهای مالی و تسویه. در شرایط تداوم تنش با غرب، استفاده از ارزهای محلی، تهاتر ساختاریافته، حسابهای امانی، تأمین مالی مبتنی بر صادرات و سازوکارهای تضمین پروژه می‌تواند بخشی از محدودیت پرداخت را کاهش دهد. با این حال، «یوانی‌سازی» تجارت به‌تنهایی جایگزین بانک‌پذیری پروژه نیست. طرف چینی همچنان به قابلیت بازپرداخت، منشأ درآمد ارزی، بیمه و ضمانت اجرای قرارداد توجه می‌کند. بنابراین پیشنهادهای بخش خصوصی باید از ابتدا ساختار مالی واقع‌بینانه داشته باشند و صرفاً بر فرض حمایت سیاسی دو دولت بنا نشوند (Harold & Nader, 2012; Nedopil Wang, 2026).

۸-۳ الزامات تبدیل فرصت به قرارداد برای بخش خصوصی ایران

نخستین الزام، تبدیل «فهرست اولیه پروژه‌های پیشنهادی» به پروژه‌های استاندارد و آماده سرمایه‌گذاری است. هر پروژه پیشنهادی به طرف چینی باید حداقل شامل مطالعه امکان‌سنجی، برآورد سرمایه و هزینه عملیاتی، وضعیت مجوز و زمین، تأمین خوراک یا ماده اولیه، بازار فروش، شریک یا خریدار نهایی، مدل بازپرداخت و ماتریس ریسک باشد. دوم، پروژه باید تا حد ممکن از تغییرات مقرراتی و ارزی مصون شود؛ استفاده از قراردادهای بلندمدت خرید، فرمول قیمت‌گذاری و داوری قابل اتکا می‌تواند هزینه ریسک را کاهش دهد. سوم، در پروژه‌های دارای فناوری حساس، باید زنجیره تأمین قطعات و محدودیت‌های صادراتی از ابتدا بررسی شود.

چهارم، اتاق‌های بازرگانی و تشکلهای بخش خصوصی می‌توانند نقش «تجمیع‌کننده پروژه» را ایفا کنند: غربالگری فرصت‌ها، اعتبارسنجی شرکای چینی، ایجاد بانک پروژه دو زبانه، معرفی بنگاه‌های مکمل و طراحی کنسرسیوم. پنجم، اولویت باید به پروژه‌هایی داده شود که در بازه کوتاه یا متوسط قابلیت اجرا دارند و موفقیت آن‌ها اعتماد برای پروژه‌های بزرگ‌تر ایجاد می‌کند. در شرایط پساجنگ، پروژه‌های برق و انرژی تجدیدپذیر، تعمیر و نوسازی تجهیزات، لجستیک، مراکز توزیع، دیجیتال‌سازی صنعت، معدن و فرآوری و همکاری در بازسازی زیرساخت می‌توانند نسبت به طرح‌های بسیار بزرگ و سرمایه‌بر، شانس اجرای بیشتری داشته باشند.

۹-۳ جمع‌بندی

برآیند اسناد و شواهد نشان می‌دهد انتظار چین از ایران بیش از آنکه بر همسویی سیاسی یا تقابل مشترک با آمریکا استوار باشد، بر «قابلیت استفاده اقتصادی از رابطه در یک محیط باثبات» متمرکز است. پکن خواهان ایرانی است که مسیر انرژی و تجارت را مختل نکند، پروژه‌های قابل اجرا عرضه کند، تعهدات قراردادی را قابل پیش‌بینی سازد و همکاری با آن هزینه روابط چین با سایر شرکای منطقه‌ای را افزایش ندهد. جنگ ۲۰۲۶ ارزش ژئوپلیتیکی ایران را برای چین یادآوری کرد، اما هم‌زمان آسیب‌پذیری ناشی از بی‌ثباتی خلیج فارس را نیز برجسته ساخت؛ از همین رو، افزایش اهمیت ایران لزوماً به افزایش

خودکار سرمایه‌گذاری چین منجر نمی‌شود (Ministry of Foreign Affairs of the PRC, 2026b; Hass et al., 2026).

برای بخش خصوصی ایران، فرصت واقعی در فاصله میان دو گزاره قرار دارد: چین به ایران نیازهایی دارد، اما گزینه‌های جایگزین نیز فراوان‌اند. مزیت رقابتی ایران باید در قالب پروژه‌های مشخص، کم‌ریسک و متصل به اولویت‌های چین شامل انرژی، اتصال، صنایع سبز، فناوری، معدن، غذا و بازار منطقه‌ای، ارائه شود. در این چارچوب، برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله می‌تواند به جای یک سند نمادین، به «نقشه جست‌وجوی پروژه» تبدیل شود؛ مشروط بر آنکه بخش خصوصی و نهادهای واسطه، علایق کلی را به بسته‌های سرمایه‌پذیر، دارای مدل مالی و قابل سنجش تبدیل کنند.

نتیجه‌گیری و دلالت‌های سیاستی

برآیند این گزارش نشان می‌دهد که فهم رفتار چین در قبال ایران، بدون درک پیوند میان **هویت ملی**، **پروژه احیای ملی**، **امنیت جامع و توسعه اقتصادی** امکان‌پذیر نیست. در منطق راهبردی پکن، توسعه اقتصادی، خوداتکایی فناورانه، امنیت زنجیره‌های تأمین، گسترش نفوذ نهادی و تمدنی، و حضور فعال‌تر در حکمرانی جهانی، اجزای منفک از یکدیگر نیستند؛ بلکه همگی در خدمت افزایش «قدرت جامع ملی» و بازتعریف جایگاه چین در نظم بین‌المللی قرار دارند. از این منظر، ابتکار کمربند و راه، ابتکار توسعه جهانی، ابتکار امنیت جهانی و ابتکار تمدن جهانی را باید ابزارهای مکمل یک پروژه وسیع‌تر دانست که هدف آن تأمین هم‌زمان توسعه، تاب‌آوری، مشروعیت بین‌المللی و کاهش وابستگی راهبردی چین به ساختارهای تحت سلطه غرب است.

در چنین چارچوبی، **ایران برای چین کشوری مهم، اما نه انحصاری و جایگزین‌ناپذیر است**. اهمیت ایران از ترکیب چند مؤلفه ناشی می‌شود: منابع انرژی، موقعیت اتصال‌دهنده آسیای مرکزی به خلیج فارس و غرب آسیا، ظرفیت بازار و صنعت، عضویت در سازوکارهایی مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس و همچنین استقلال نسبی از نظم سیاسی تحت رهبری آمریکا. در عین حال، چین برای تأمین همین منافع، گزینه‌های متعدد دیگری در خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز و پاکستان در اختیار دارد. به همین دلیل، موقعیت جغرافیایی و سیاسی ایران به‌خودی‌خود مزیت تضمین‌شده ایجاد نمی‌کند؛ بلکه زمانی به مزیت واقعی تبدیل می‌شود که پروژه‌های ایرانی از نظر هزینه، زمان، امنیت، ثبات مقررات، قابلیت تأمین مالی و اتصال فرامرزی با گزینه‌های رقیب قابل مقایسه یا برتر باشند.

تحولات جنگ تحمیلی اخیر نیز این دوگانگی را آشکارتر کرد. جنگ از یک سو اهمیت ژئوپلیتیکی ایران، امنیت انرژی، تنگه هرمز و مسیرهای جایگزین زمینی را برای چین برجسته ساخت؛ اما از سوی دیگر نشان داد که بی‌ثباتی ایران و خلیج فارس

می‌تواند مستقیماً بر انرژی، تجارت، بیمه، حمل‌ونقل و منافع شرکت‌های چینی اثر منفی بگذارد. بنابراین، افزایش اهمیت راهبردی ایران الزاماً به افزایش خودکار سرمایه‌گذاری چین منجر نمی‌شود. پکن بیش از آنکه در پی حمایت پرهزینه از یک شریک باشد، در پی محیطی باثبات، مسیرهای باز انرژی و تجارت و پروژه‌هایی است که ریسک ژئوپلیتیکی را به منافع اقتصادی قابل محاسبه تبدیل کنند. از همین رو، انتظار اصلی چین از ایران را می‌توان در سه واژه خلاصه کرد: ثبات، قابلیت اجرا و قابلیت پیش‌بینی.

برای بخش خصوصی ایران، مهم‌ترین نتیجه گزارش آن است که فرصت همکاری با چین را نباید صرفاً در قالب پروژه‌های بزرگ دولتی یا انتظار برای سرمایه‌گذاری مستقیم گسترده پکن جست‌وجو کرد. حوزه‌های انرژی و صنایع پایین‌دستی، لجستیک و ترانزیت، اقتصاد دیجیتال، معدن و فراوری، صنایع سبز، کشاورزی و امنیت غذایی، بازسازی زیرساخت و پروژه‌های مشترک در کشورهای ثالث، ظرفیت‌های عملی‌تری برای همکاری ایجاد می‌کنند. در این میان، پروژه‌های کوچک و متوسط دارای بازار روشن، خوراک یا ماده اولیه مشخص، شریک اجرایی معتبر، مدل مالی قابل دفاع و زمان اجرای کوتاه‌تر، شانس بیشتری برای جذب شریک چینی دارند. برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین نیز در این چارچوب بهتر است نه به‌عنوان تعهد قطعی سرمایه‌گذاری، بلکه به‌عنوان «نقشه حوزه‌های همکاری و جست‌وجوی پروژه» تلقی شود.

در نهایت، **مزیت ایران در رابطه با چین باید ساخته شود، نه صرفاً فرض گرفته شود.** این تصور که چین، یک مزیت ذاتی برای ایران قائل است، احتمالاً یک برداشت اغراق‌آمیز است. ایران برای تبدیل جایگاه ژئوپلیتیکی خود به منفعت اقتصادی، نیازمند کاهش نااطمینانی مقرراتی، ایجاد سازوکارهای مالی و قراردادی قابل اتکا، آماده‌سازی پروژه‌های سرمایه‌پذیر، تقویت زیرساخت‌های اتصال و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و نهادهای واسط برای شناسایی و تجمیع پروژه‌هاست. اتاق‌های بازرگانی و تشکلهای تخصصی می‌توانند با ایجاد بانک پروژه‌های دوزبانه، اعتبارسنجی شرکای چینی، طراحی کنسرسیوم‌ها و هدایت پروژه‌ها به سمت استانداردهای مورد انتظار سرمایه‌گذار چینی، این شکاف را کاهش دهند. بنابراین، آینده همکاری اقتصادی ایران و چین بیش از آنکه به سطح روابط سیاسی وابسته باشد، به توان ایران در **تبدیل منافع مشترک راهبردی به پروژه‌های مشخص، کم‌ریسک، قابل تأمین مالی و سودآور برای دو طرف** بستگی خواهد داشت.

- Aramco. (2025, April 9). Aramco, Sinopec and Yasref sign venture framework agreement for planned petrochemical expansion. <https://www.aramco.com/en/news-media/news/2025/aramco-sinopec-and-yasref-sign-venture-framework-agreement-for-planned-petrochemical-expansion>
- Brookings Doha Center. (2020, November). The Belt and Road Initiative: China-Middle East cooperation in an age of geopolitical turbulence. Brookings Institution. <https://www.brookings.edu/events/the-belt-and-road-initiative-china-middle-east-cooperation-in-an-age-of-geopolitical-turbulence/>
- Carnegie Endowment for International Peace. (2025, January 8). China decoupling beyond the United States: Comparing Germany, Japan, and India. <https://carnegieendowment.org/research/2025/01/china-decoupling-beyond-the-united-states-comparing-germany-japan-and-india>
- China Institute of International Studies. (2026, June). China's actions for advancing global dialogue among civilizations. https://en.chinadiplomacy.org.cn/pdf/CIIS_Report_China%E2%80%99s_Actions_for_Advancing_Global_Dialogue_Among_Civilizations.pdf
- Chivvis, C. S., Zhu, K., Geaghan-Breiner, B., Sockwell, M., Morganbesser, L., & Hsia, S. (2025, October 8). Legacy or liability? Auditing U.S. alliances to compete with China. Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org/research/2025/10/legacy-or-liability-auditing-us-alliances-for-competition-with-china>
- Council of the European Union. (2026, May 18). Syria: Council renews restrictive measures targeting the former al-Assad regime for one year and de-lists certain entities. <https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/05/18/syria-council-renews-restrictive-measures-targeting-the-former-al-assad-regime-for-one-year-and-de-lists-certain-entities/>
- Economy, E. C. (2021). The world according to China. John Wiley & Sons.
- Fulton, J. (2019). China's relations with the Gulf monarchies. Routledge. <https://www.routledge.com/Chinas-Relations-with-the-Gulf-Monarchies/Fulton/p/book/9781138307933>
- Garver, J. W. (2006). China and Iran: Ancient partners in a post-imperial world. University of Washington Press. <https://uwapress.uw.edu/book/9780295986319/china-and-iran/>
- Goldstein, A. (2020). China's grand strategy under Xi Jinping: Reassurance, reform, and resistance. *International Security*, 45(1), 164–201.

- Government of Pakistan, Ministry of Planning, Development & Special Initiatives. (2024a, November 7). Minister Ahsan Iqbal, H.E. Jiang Zaidong strategize on CPEC Phase-II and BRI roadmap alignment. China-Pakistan Economic Corridor Secretariat. <https://cpec.gov.pk/news/282>
- Government of Pakistan, Ministry of Planning, Development & Special Initiatives. (2024b, December 15). CPEC Phase 2.0: Pakistan-China partnership enters a new era with high-level engagements in Beijing. China-Pakistan Economic Corridor Secretariat. <https://www.cpec.gov.pk/news/286>
- Harold, S. W., & Nader, A. (2012). China and Iran: Economic, political, and military relations. RAND Corporation. https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/occasional_papers/2012/RAND_OP351.pdf
- Hass, R., Karlin, M., & Maloney, S. (2026, May 8). Beijing's playbook for the US-Iran war. Brookings Institution. <https://www.brookings.edu/articles/beijings-playbook-for-the-us-iran-war/>
- Hass, R., Kim, P. M., Sun, Y., Wilder, D., & Wright, T. (2026, May 5). Beijing's approach to the conflict in Iran and its implications for China. Brookings Institution. <https://www.brookings.edu/articles/beijings-approach-to-the-conflict-in-iran-and-its-implications-for-china/>
- Heath, T. R. (2021, June). U.S. strategic competition with China: A RAND research primer. RAND Corporation. https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PEA200/PEA290-3/RAND_PEA290-3.pdf
- Huang, Y., An, N., & Ge, Y. (2021). Reading China's self-definition of international politics from intergovernmental conferences. *Geographical Review*, 111(1), 57–75. <https://doi.org/10.1080/00167428.2020.1819796>
- International Monetary Fund. (2025). Pakistan: First review under the extended arrangement under the Extended Fund Facility, requests for modification of performance criteria and request for an arrangement under the Resilience and Sustainability Facility—Press release; staff report; and statement by the Executive Director for Pakistan (IMF Country Report No. 25/109). <https://doi.org/10.5089/9798229011310.002>
- International Monetary Fund. (2026, May 8). IMF Executive Board completes third review of the extended arrangement under the Extended Fund Facility and second review of the arrangement under the Resilience and Sustainability Facility with Pakistan. <https://www.imf.org/en/news/articles/2026/05/08/pr-26147-pakistan-imf-completes-3rd-rev-of-extended-arrangement-under-eff-and-2nd-rev-arrang-rsf>
- Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2021, September 21). Global Development Initiative—Building on 2030 SDGs for stronger, greener and healthier global

development (Concept paper).
https://www.mfa.gov.cn/eng/zy/jj/GDI_140002/wj/202406/P020240606606193448267.pdf

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2024b, July 3). Joint statement on the establishment of a strategic partnership between the People's Republic of China and the Republic of Azerbaijan.
https://www.mfa.gov.cn/web/ziliao_674904/1179_674909/202407/t20240703_11446766.shtml

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2025a, June 17). Championing the China-Central Asia spirit for high-quality cooperation in the region.
https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/zyjh/202506/t20250617_11651909.html

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2025b, February 6). Joint statement between the People's Republic of China and the Islamic Republic of Pakistan.
https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/zyxw/202502/t20250206_11550159.html

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2025c, June 17). Xi Jinping attends the Second China-Central Asia Summit and delivers a keynote speech.
https://www.mfa.gov.cn/mfa_eng/xw/zyxw/202506/t20250619_11653305.html

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2026a, May 15). Foreign Ministry spokesperson's remarks on the Iran situation.
https://www.mfa.gov.cn/mfa_eng/xw/fyrbt/fyrbt/202605/t20260515_11910982.html

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2026b, February 28). Foreign Ministry spokesperson's remarks on the military strikes against Iran by the U.S. and Israel.
https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/fyrbt/fyrbt/202602/t20260228_11866531.html

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2026c, May 15). Remarks on Syria by China's Permanent Representative to the UN Ambassador Fu Cong at the UN Security Council briefing. https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/xw/zwbd/202605/t20260519_11913172.html

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2026d, May 15). Vice Foreign Minister Miao Deyu meets with Charge d'Affaires a.i. of the Syrian Embassy in China Zakaria Lababidi.
https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/xw/wjbxw/202605/t20260518_11912731.html

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2026e, May 6). Wang Yi holds talks with Iranian Foreign Minister Seyyed Abbas Araghchi.
https://www.mfa.gov.cn/mfa_eng/wjbzhd/202605/t20260507_11905849.html

Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2026f, June 9). Xi Jinping and Georgian President Mikheil Kavelashvili exchange congratulatory messages on the 34th anniversary of the establishment of China-Georgia diplomatic relations and jointly announce the elevation of

- bilateral relations to a comprehensive strategic partnership.
https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/zyxw/202606/t20260610_11941146.html
- National Development and Reform Commission of the People's Republic of China. (2026, March). Report on the implementation of the 2025 plan for national economic and social development and on the 2026 draft plan for national economic and social development. The State Council of the People's Republic of China.
<https://english.www.gov.cn/atts/stream/files/69b60429c6d0c788099000f8>
- Nedopil Wang, C. (2020, March). Belt and Road Initiative & sustainable transport. Green Finance & Development Center. https://greenfdc.org/wp-content/uploads/2020/04/Nedopil-Wang-2020_Belt-and-Road-Initiative-and-Sustainable-Transport.pdf
- Nedopil Wang, C. (2026, January 18). China Belt and Road Initiative (BRI) investment report 2025. Green Finance & Development Center. <https://greenfdc.org/china-belt-and-road-initiative-bri-investment-report-2025/>
- People's Republic of China & Islamic Republic of Iran. (2016, January 23). Joint statement on the establishment of a comprehensive strategic partnership between the People's Republic of China and the Islamic Republic of Iran.
https://www.mfa.gov.cn/web/ziliao_674904/zt_674979/ywzt_675099/2016nzt/xjpdstaiyljxgsfw_685471/zxxx_685473/201601/t20160123_9281664.shtml
- People's Republic of China, Kingdom of Saudi Arabia, & Islamic Republic of Iran. (2023, March 10). Joint trilateral statement by the People's Republic of China, the Kingdom of Saudi Arabia, and the Islamic Republic of Iran.
https://www.mfa.gov.cn/eng/zy/gb/202405/t20240531_11367487.html
- RAND Corporation. (2022). Crossroads of competition: China, Russia, and the United States in the Middle East. https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR300/RR325-1/RAND_RRA325-1.pdf
- Reuters. (2025, August 3). Chinese independent oil companies in Iraq.
<https://www.reuters.com/business/energy/chinese-independent-oil-companies-iraq-2025-08-03/>
- Reuters. (2026a, July 23). China refiners snap up September Russian crude, eye Iranian oil as Mideast supply risks grow. <https://www.reuters.com/business/energy/china-refiners-snap-up-september-russian-crude-eye-iranian-oil-mideast-supply-2026-07-23/>
- Reuters. (2026b, July 22). Middle East war deepens 2026 oil deficit outlook, but 2027 glut still looms. <https://www.reuters.com/business/energy/middle-east-war-deepens-2026-oil-deficit-outlook-2027-glut-still-looms-2026-07-22/>

- Reuters. (2026c, July 24). Pakistan, Iran explore path toward new talks with U.S. in a China-initiated push, sources say. <https://www.al-monitor.com/originals/2026/07/pakistan-iran-explore-path-towards-new-talks-us-china-initiated-push-sources-say>
- Reuters. (2026d, February 7). Saudi deepens ties with Syria's new leaders through major investment package. <https://www.reuters.com/world/middle-east/saudi-arabia-announces-major-new-syria-investments-2026-02-07/>
- Reuters. (2026e, February 10). Saudi, US firms to partner on northeast Syria energy project. <https://www.reuters.com/business/energy/saudi-us-firms-partner-northeast-syria-energy-project-2026-02-10/>
- Reuters. (2026f, July 24). Tanker switches Asia voyage via Suez amid Houthi warnings, owner says. <https://www.reuters.com/world/middle-east/oil-products-tanker-re-routes-voyage-asia-through-suez-amid-houthi-warnings-2026-07-24/>
- Reuters. (2026g, February 26). Washington presses Syria to shift from Chinese telecom systems. <https://www.reuters.com/world/china/washington-presses-syria-shift-chinese-telecom-systems-2026-02-26/>
- Qin, G. (2023, February 21). Implementing the Global Security Initiative to solve the security challenges facing humanity [Keynote speech]. Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. https://www.mfa.gov.cn/mfa_eng/wjbzhd/202405/t20240527_11312271.html
- Scobell, A., Burke, E. J., Cooper III, C. A., Lilly, S., Ohlandt, C. J. R., Warner, E., & Williams, J. D. (2020). China's grand strategy: Trends, trajectories, and long-term competition. RAND Corporation. <https://doi.org/10.7249/RR2798>
- Shariatnia, M. (2020, January 7). In global economy, Iran facing companies, not governments—analyst [Interview]. Trend News Agency. <https://www.trend.az/business/economy/3173490.html>
- State Council Information Office of the People's Republic of China. (2023a, September). A global community of shared future: China's proposals and actions. https://english.scio.gov.cn/node_9004328.html
- State Council Information Office of the People's Republic of China. (2023b, October). The Belt and Road Initiative: A key pillar of the global community of shared future. https://english.scio.gov.cn/node_9004454.html
- State Council Information Office of the People's Republic of China. (2025, May 12). China's national security in the new era. https://english.www.gov.cn/news/202505/12/content_WS6821a354c6d0868f4e8f279a.html

- State Council Information Office of the People's Republic of China. (2026a, June 17). More just and equitable global governance: China's principles, proposals and actions.
https://english.scio.gov.cn/whitepapers/2026-06/17/content_118552858.html
- State Council of the People's Republic of China. (2016, January). China's Arab policy paper.
<https://eng.yidaiyilu.gov.cn/p/1431.html>
- State Council of the People's Republic of China. (2026, March 13). Outline of the 15th Five-Year Plan for National Economic and Social Development of the People's Republic of China (2026–2030) [中华人民共和国国民经济和社会发展第十五个五年规划纲要].
https://big5.www.gov.cn/gate/big5/www.gov.cn/yaowen/liebiao/202603/content_7062633.htm
- The State Council Information Office of the People's Republic of China. (2015, May). China's military strategy. Ministry of National Defense of the People's Republic of China.
http://eng.mod.gov.cn/2025xb/M/P_251591/16415093.html
- The State Council Information Office of the People's Republic of China. (2019, July 24). China's national defense in the new era.
https://english.www.gov.cn/archive/whitepaper/201907/24/content_WS5d3941ddc6d08408f502283d.htm
- United Nations in Afghanistan. (2026, April 15). 2025 UN Afghanistan annual results report.
<https://afghanistan.un.org/en/313178-2025-un-afghanistan-annual-results-report>
- United Nations Security Council. (2026, February 12). Resolution 2816 (2026) [S/RES/2816 (2026)]. United Nations. <https://main.un.org/securitycouncil/en/content/sres28162026>
- Zhang, F. (2019). The Xi Jinping doctrine of China's international relations. *Asia Policy*, 14(3), 7–23.
<https://doi.org/10.1353/asp.2019.0020>
- Zhu, F., & Lu, P. (2015). Be strong and be good? Continuity and change in China's international strategy under Xi Jinping. *China Quarterly of International Strategic Studies*, 1(1), 19–34.
<https://doi.org/10.1142/S2377740015500029>
- 杨洁勉. (2026). 人类命运共同体的理念深化、实践升华和全球影响. *国际问题研究*, (2).
وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۰، ۷ فروردین). گزاره‌برگ برنامه همکاری جامع جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین
<https://mfa.gov.ir/files/mfa/PDF/china.pdf>